

# رهنمود آموزش اصطلاحات حقوقی

روح الله عزیزی

ثور ۱۳۹۹

## فهرست مطالب

2	..... کلیات	قسمت اول – کلیات
2	..... اهداف	1.
2	..... ضرورت و اهمیت	2.
3	..... مشکلات	3.
4	..... خصوصیات زبان حقوقی	4.
5	..... آموزش اصطلاحات حقوقی	قسمت دوم – آموزش اصطلاحات حقوقی
5	..... چگونه می توان معنی اصطلاحات حقوقی را پیدا کرد؟	1.
9	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به مسلک حقوق	2.
13	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق عندی و حقوق آفاقی	3.
16	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به تقسیم بندی حقوق	4.
19	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به اصول محاکمات	5.
21	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق اساسی	6.
23	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق تجارت	7.
25	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق جزا	8.
27	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق فامیل	9.
29	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق میراث	10.
31	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به مسئولیت مدنی	11.
34	..... اصطلاحات حقوقی مربوط به قانونگذاری	12.
38	..... نمونه اسناد و فارم های مربوط به مسلک حقوق	قسمت سوم – نمونه اسناد و فارم های مربوط به مسلک حقوق

## زبان حقوق

### قسمت اول – کلیات

در بسیاری کشورها برای حقوقدانان غیرانگلیسی زبان، مضامینی تحت عنوان انگلیسی حقوقی<sup>1</sup> تهیه و تدریس میگردد. این مطالب و مضامین معمولاً برای بلند بردن توانایی های خواندن، درک، و نوشتن مطالب حقوقی به زبان انگلیسی است که برای حقوقدانان غیر انگلیسی زبان طراحی شده است. اما در افغانستان به ندرت نیاز به ایجاد مضمونی تحت عنوان "زبان حقوقی" یا "دری حقوقی" احساس گردیده است. این رهنمود مختصر به موضوعات مهم در استفاده درست و بهینه از زبان دری در فراگرفتن و استفاده دانش حقوقی می پردازد.

#### 1. اهداف

این رساله سه هدف مشخص را دنبال می کند. توقع می رود که در قدم اول شما شناخت لازم از زبان حقوقی و راهکارهای تقویت آن را بدست بیاورید. هدف دوم معرفی روش های درست خواندن و درک متون حقوقی و هدف سوم و اساسی این رساله کمک به آموختن واژگان کلیدی در زمینه های مهم حقوقی است. به این منظور ابتدا راهکارهای درک معنی اصطلاحات حقوقی تشریح گردیده و سپس تمرین های در نظر گرفته شده است.

قسمت اخیر این رساله شامل نمونه های اسناد و مواد مربوط به مسلک حقوق به شمول فارم ها، مصوبات، و تصامیم قضایی می باشد.

این رساله به گونه طرح شده که فرصت فعالیت های عملی، کارهای گروهی، تحقیق، تفکر، و تمرین را به شما فراهم می سازد. توقع می رود که شما بخاطر درک بهتر مطالب و بلند بردن مهارت های لسانی خویش تمام این تمرین ها را به موقع انجام دهید.

بیشترین مطالب برای خواندن و تمرین از کتاب های معتبر حقوق که در حال حاضر در فاکولته های حقوق و شرعیات افغانستان تدریس میگردد اقتباس گردیده است. مزیت آن اینست که مطالب توسط بهترین استادان پوهنتون ها نوشته شده و از طرف دیگر قسمت های انتخاب شده بصورت مختصر فرصت آموختن را در هر بخش حقوق فراهم می سازد. بر علاوه این متون اکثراً بصورت رایگان و آنلاین وجود داشته و شما احتمالاً به منابع چاپی آن در کتابخانه نیز دسترسی پیدا کرده می توانید. تمام حقوق و امتیازات بخش های نقل شده به نویسندگان کتاب های که به آنها ارجاع صورت گرفته تعلق میگیرد.

#### 2. ضرورت و اهمیت

همانطوریکه قبلاً تذکر داده شد، به احتمال زیاد شما حد اقل به دو زبان تسلط دارید. این امر شما را در ردیف اشخاص با مهارت بسیار قرار میدهد. باید به خاطر داشت که استفاده همزمان از دو زبان هم در جریان درس و هم در جریان کار مسلکی مشکلات و محدودیت های دارد. اگر شما در دفاتری کار میکنید که زبان مکاتبه و رایج آن انگلیسی است باز هم ممکن از بسیاری منابع دری یا پشتو نیز استفاده کنید یا برعکس ممکن مهارت ها و دانشی را که به زبان انگلیسی فراگرفته اید در محاکم و ادارات افغانستان به زبان های ملی بکار ببندید. لذا نیاز است تا مهارت استفاده درست از لسان مسلکی را تقویت نمایند.

در مسلک حقوق کلمات و عبارات نقش بسیار مهمی دارند و تار و پود این رشته از کلمات ساخته شده است. قوانین بطور مثال مجموعه قواعد مدونی اند که از یک سری اصطلاحات و عبارات تشکیل یافته اند. اسناد حقوقی نیز همه از ترکیب اصطلاحات تخنیکی تهیه میگردند. وکلای مدافع، قضات، خرنوالان همه و همه فعالیت های خود نظیر اقامه دعوی، دفاع، مشوره، تصمیم و استدلال را بوسیله بکار بردن اصطلاحات و کلمات تخنیکی انجام میدهند. کلمات آنقدر در حقوق مهم اند که استفاده نادرست آنها نتایج حقوقی یک موضوع را کاملاً تغییر خواهد داد. به همین لحاظ اصطلاحات حقوقی بیانگر

<sup>1</sup> Legal English

مفاهیم بسیار خاص اند. مثلاً موضوع ضرر توسط مال یک شخص به شخص دیگر را در نظر بگیرید. بسیاری مواقع مالک مال (مثلاً اگر این مال موثر باشد) مسئول ضرری است که از طریق آن به شخص دیگری وارد شده است. اگر اصطلاح مالک یگانه اصطلاح حقوقی می بود که در این مورد کاربرد میداشت، بدون شک قوانین ما برای تمام حالات ممکن احکام غیر منصفانه داشت. گاهی اوقات مال مالک ممکن توسط شخص دیگری غصب شده و در جریان غصب ضرر به دیگری وارد شده است. گاهی هم ممکن مالک مال، مال خود را به شخصی امانت داده باشد و یا هم شخصی را موظف به مواظبت از مال خود نموده باشد. در اینجاست که شما اصطلاحات مختلف مثل ذو الید، موظف، غاصب، محافظ، امین، موجر، متصرف، تملک و غیره اصطلاحات را مشاهده می کنید که در قضیه مشابه استعمال شده و نشانگر حالات مختلف در مورد ضرر توسط مال است.

همانطوریکه ملاحظه می کنید بدون این همه اصطلاحات که هر یک بیانگر مفهوم و حالتی متفاوت است، داشتن قوانین خوب و عادلانه ناممکن خواهد بود. به همین ترتیب، بدون شناخت و درک درست این مفاهیم و اصطلاحات حقوقی، باز هم تطبیق قوانین و تحقق عدالت دشوار خواهد بود.

### 3. مشکلات

در ابتدائی ترین تعریف، وسیله افهام و تفهیم میان انسان‌ها را زبان گویند. هدف وجودی زبان اینست که دو یا زیاد اشخاص بتوانند مقصد خود را به گونه‌ای که می‌خواهند به شنونده تفهیم کنند. ولی آیا فکر می کنید که همیشه این هدف در عمل بر آورده می شود؟ آیا مثالی را به یاد دارید که میان دو طرف در جریان گفتگو سوتفاهم به میان آمده باشد؟ شاید جواب تان بلی باشد چون زبان محدودیت های دارد.

یکی از مشکلات متداول در تعاملات انسان‌ها اینست که گاهی گوینده یا نویسنده عمداً یا ناخودآگاه از هدف اصلی زبان دور میشود. گاهی انسان‌ها بخاطر تظاهر بر اینکه آنها تسلطی به زبان دارند، از اصطلاحات و مفاهیم مغلق و غالباً گنگ استفاده میکنند. به احتمال زیاد عبارت "معنی فدای لفظ شدن" را شنیده اید. گرایش به مغلق نویسی در همه جا مروج است. معمول است که بعضی ها حقوق را "بازی با کلمات" میدانند. کلمات نقش بسیار مهمی را در مسلک حقوق بازی میکند. استفاده نادرست یک کلمه می تواند نتایج نامطلوب حقوقی را به بار بیاورد. لذا عجیب نیست اگر شما متونی را ببینید که نویسنده در حدی غرق در مغلق نویسی شده که از هدف اصلی که همان افهام و تفهیم است دور شده باشد.

موضوع دیگر اینکه صحبت کردن روزمره در یک لسان و استفاده مسلکی از لسان تفاوت دارد. در قدم اول کاربرد معمول و کاربرد تخنیکی کلمات از هم فرق دارند. بسیاری ها متوجه این تفاوت نشده و این خود سبب سوتفاهم و سوءبرداشت می گردد. به عنوان مثال، در حقوق معمول است که اصطلاح کالا به امتعه و مال بکار رود. در زبان عادی کالا بیشتر به معنی لباس است. بسیاری ها ممکن بدون دقت زیاد کلمات و عبارات را در زندگی روزمره استفاده کنند. ولی موقعیکه استفاده دقیق از لسان در یک مسلک پیچیده مثل حقوق مطرح است، همه بالای این مهارت تمرکز ندارند. بر علاوه استفاده از زبان به مقاصد مسلکی واضحاً که ایجاب رعایت رسمیات و تشریفات خاص را در بیان و نوشتار می کند ما معمولاً در مکالمات روزمره با دوستان و اعضای فامیل خود به شیوه صحبت می کنیم که آنرا شیوه غیر رسمی صحبت یا زبان غیررسمی یاد می کنند. ولی در صحنه عمل مخصوصاً در مسلک حقوق رسمی صحبت کردن و نوشتن ویژگی خاص این مسلک است. در نتیجه ممکن که تعدادی این شیوه افهام و تفهیم را مشکل ببینند.

مشکلی که بیشتر مطرح بحث ما است عبارت از استفاده همزمان دو زبان است. برای شخصی که بر دو زبان مسلط است و این دو زبان را در محیط کار یا آموزش بکار می برد، ممکن مجبور باشد تا منابع را در یک زبان مطالعه کرده ولی بحث و گفتگو را در زبان دیگری انجام دهد. بعضی ها فکر میکنند که مفاهیم و عبارات در دو زبان دقیقاً یکی اند یا برای هر اصطلاح یک ترجمه دقیق در زبان دیگری وجود دارد. ولی همیشه اینطور نیست. فرایند ترجمه مفاهیم در ذهن و عبور از یک زبان به زبان دیگر کار مغلق ذهنی است و نیازمند دقت فراوان است. آیا گاهاً شنیده اید که گفته باشند ترجمه هیچگاه معادل اصل نیست؟ چرا چنین است؟ یکی از دلایل این است که هر زبان به گونه متفاوتی انکشاف یافته است. تصور کنید که وقتی کلمات ساده مثل کتاب یا درخت را بکار می بریم، ممکن برگردان این کلمات در هر زبانی تصویر مشابه را در ذهن شنونده ترسیم کند. ولی وقتی اصطلاحات مغلق حقوقی مثل اکراه یا اهلیت قانونی را بکار می بریم، برگردان این واژه ها در زبان ها و مکان های مختلف تصاویر متفاوت از همدیگر را در ذهن شنونده ایجاد میکند. واضح است که معنی، کار

برد، اقسام، و احکام مربوط به اکراه یا اهلیت در تمام کشورها و نظام های حقوقی یکسان نیست. لذا حتی وقتیکه ما دقیقترین ترجمه را برای یک اصطلاح خارجی انتخاب می کنیم، این ترجمه همیشه صد در صد بیانگر مفهومی نیست که برای بار اول در زبان خارجی بکار رفته است.

بالاخره با وجود پیشرفت های قبل ملاحظه در ساحات حقوقی در افغانستان، مشکل دیگری در کشور کمبود منابع تحقیق و مطالعه است. این مختصر با در نظرداشتن این کاستی ها روش های جستجو و مطالعه را با در نظرداشتن منابع موجود توصیه می کند.

#### 4. خصوصیات زبان حقوقی

بسیاری ها زبان حقوقی را زبان مبهم می یابند. یکی از علت های آن اینست که در حقوق، اصطلاحات مغلقی وجود دارد که ما معمولاً آنها را در زندگی روزمره استفاده نمی کنیم. حقوق منحصراً یک مسلک در هر کشور تکامل تدریجی داشته و از نظام های حقوقی سایر کشورها متأثر گردیده است. در افغانستان، اصطلاحات خارجی مثل اصطلاحات عربی و بعضی اصطلاحات فرانسوی و انگلیسی در حقوق وجود دارد. بسیاری اصطلاحات و کلمات حقوقی مانند محکمه، قاضی، و غیره همه اصطلاحات و کلمات عربی اند. همینطور بعضی کلمات مثل فورس ماژور و بسیاری اصطلاحات تجاری که ما آنها را بنام انکوترمز<sup>2</sup> می شناسیم و هم بعضی اصطلاحات مربوط به معاملات بانکی اصطلاحات فرانسوی یا انگلیسی اند. در صورتیکه اصطلاح در زبان دری معمول باشد از ذکر اصطلاحات خارجی باید خودداری شود. ولی تعداد زیادی اصطلاحات خارجی در زبان ما چنان جا افتاده که ما اکثراً متوجه نمی شویم که آنها اساساً اصطلاح خارجی است. ولی بعضی اصطلاحات خارجی برای همه قابل درک نبوده و بکار بردن این اصطلاحات سودی نخواهد داشت. بسیاری کتاب های روش تحقیق و نگارش مجموعه از واژگان خارجی و غیر مانوس را جمع آوری کرده و در مقابل استعمال معادل دری یا هم کلمات خارجی ولی بیشتر قابل فهم را توصیه میکند.

روی هم رفته، زبان در کل و زبان مسلکی حقوقی بصورت خاص در حال تغییر است. در حقیقت حقوق خود رشته در حال رشد و تغییر است. تنها در 20 سال اخیر قوانین، مقررات و اداراتی در افغانستان ایجاد گردید که در گذشته وجود نداشتند. همانطوریکه در بخش مربوط به قانونگذاری مطالعه خواهید کرد، قانون اساسی افغانستان مصوب سال 1382 اساس قانونی برای صد ها قانون دیگر را گذاشت. این قوانین ساحاتی از زندگی ما را تنظیم میکند که در گذشته یا وجود نداشت یا نیاز به تنظیم آنها احساس نمی شد.

علاوه بر آن، در حقوق مفاهیم بسیار عمیق و پر محتوا وجود دارد که درک آنها ایجاب دقت و تحلیل را میکند. بسیاری اصطلاحات که به ظاهر ساده می رسد معمولاً معنی عمیق داشته و غالباً در قبال تعریف دقیق آنها اختلاف نظر وجود دارد. به عنوان مثال اصطلاحات جرم، وجبیه، قرارداد، حقوق، و قانون را در نظر بگیرید. شما ممکن منابع بسیار زیادی را بیابید که تنها به تعریف و توضیح این مفاهیم پرداخته باشد. نکته دیگر اینکه این مفاهیم به شکل زنجیر وار به هم پیوسته است. گاهی ندانستن معنی یک اصطلاح ممکن کار درک معنی اصطلاح دیگری که با اولی مرتبط است را مشکل سازد.

در بخش بعدی ابتدا روش دریافت معنی اصطلاحات حقوقی را خواهید آموخت. سپس متون مختصر از مباحث مختلف حقوقی را خوانده و در هر بخش تمرینی را تکمیل خواهید کرد.

---

<sup>2</sup> International Commercial Terms یا اصطلاحات بین المللی تجاری

## قسمت دوم - آموزش اصطلاحات حقوقی

در این قسمت شما روش های دریافت معنی اصطلاحات را دانسته و از طریق تمرین این شیوه ها را در عمل بکار خواهید برد. متون حقوقی از منابع مختلف تهیه گردیده تا شما از طریق مطالعه آنها و تکمیل تمرینات هر بخش اصطلاحات جدید حقوقی را یاد بگیرید. این متون بخش های مختلف حقوق را از مباحث ماهوی تا مباحث شکلی حقوق و از موضوعات نظری تا مسایل عملی شامل می گردد. در پایان هر بخش منابع بیشتر برای مطالعه شما توصیه گردیده است.

### 1. چگونه می توان معنی اصطلاحات حقوقی را پیدا کرد؟

با در نظر داشت آنچه که در مورد زبان حقوقی بیان گردید، در زیر شیوه های معمول درک معنی واقعی اصطلاحات حقوقی توضیح گردیده است. در بخش های بعدی ما خلاصه بعضی مباحث حقوق را تشریح می کنیم و توقع می رود که شما با استفاده از این شیوه ها معنی بعضی کلمات و اصطلاحات را پیدا کنید.

□ اگر کاربرد عادی اصطلاح را می دانید، ابتدا به فرهنگ تخصصی حقوقی مراجعه کنید. اگر اصطلاح کاملاً برایتان نو و ناشناخته است، توصیه میشود که به فرهنگ لغات غیر تخصصی مراجعه کنید تا ریشه و کاربرد عادی اصطلاح را بیاموزید. این روش در درک معنی درست اصطلاح و حفظ ساده تر آن شما را کمک می کند. توجه داشته باشید که ندرتاً بعضی ادارات در رابطه به تطبیق یک قانون خاص ممکن قاموس یا فرهنگ اصطلاحات مربوط به همان قانون یا اداره را ساخته باشد مثل واژه نامه اصطلاحات تدارکاتی اداره تدارکات جمهوری اسلامی افغانستان که در سال 1390 تهیه گردیده است.<sup>3</sup> فرهنگ اصطلاحات حقوق بشر و حقوق بین المللی منبع دیگری است که بصورت آنلاین قابل دسترس است.<sup>4</sup> همچو منابع نیز شما را در دریافت معنی اصطلاحات کمک می کند. در سال 1387 به کمک مالی اداره انکشافی ایالات متحده و به همت تعدادی از استادان حقوق، قاموس اصطلاحات حقوقی تهیه و نشر شد که منبع خوبی برای دریافت معنی اصطلاحات حقوقی به حساب می رود. این منبع که به دو زبان دری و پشتو تهیه شده بیشتر به تعریف اصطلاحاتی پرداخته که در قوانین افغانستان بکار رفته است. تصویر پائین تعریفی که این قاموس از اصطلاح استقلالیت قضا ارائه داشته را نشان میدهد.

استقلالیت قضا ..... قاموس اصطلاحات حقوقی ..... الف	
<b>استقلالیت قضا</b>	<b>استنباط حکم</b>
حالتی که قوه قضائیه رکن مستقل دولت بوده و در اجراءات خویش صرف تابع احکام قوانین نافذ کشور میباشد. پشتو: [د قضا استقلالیت]	بدست آوردن یک حکم قضایی و قانونی روی دلایل، قوانین و شواهد یک مسئله حقوقی و یا قضیه مطروحه در محکمه از سوی متخصص و یا قاضی صورت میگیرد. پشتو: [د حکم استنباط]

□ اگر اصطلاح در یک قانون یا سند تقنینی دیگری بکار رفته باشد، احتمال می رود که قانون یا سند تقنینی یاد شده تعریفی از این اصطلاح ارائه کند. لذا خوب است که قانون و سند تقنینی مرتبط را شناسایی و تعریف اصطلاح را در خود قانون جستجو کنید. معمولاً قوانین و مقررات جدید در بخش های اول خود ماده یا موادی تحت عنوان تعریف اصطلاحات یا تعریف مفاهیم دارد. این بخش تمام اصطلاحات کلیدی قانون را تعریف کرده است. این

<sup>3</sup> برای دریافت این منبع به سایت زیر مراجعه نمایید:

<http://www.ppu.gov.af/Documents/Glossaries/Dari.pdf>

<sup>4</sup> این فرهنگ اصطلاحات از سایت زیر قابل دسترس است:

<http://www.idlo.org/publications/Glossary.pdf>

تعریف در ساحة مربوطه و در حدود همان قانون تعریف الزامی و قابل استناد است. قوانین گذشته هر چند معمولاً بخش تعریف مفاهیم را ندارند، ولی تعریف های در سرتاسر قانون بصورت پراکنده ارائه شده است. بطور مثال در زیر شما تعریف ازدواج را در ماده 60 قانون مدنی مشاهده می کنید.

شپرم مبحث- ازدواج ماده ۶۰	مبحث ششم - ازدواج ماده ۶۰ -
از دواج یو عقد دی چه دینخی او سپری معاشرت یی دفامیل دتشکیلولو به مقصد مشروع کسری او ددواو خواوو حقوق اوواجبات تنظیموی .	ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق وواجبات طرفین را بو جود می آورد .

ویا ماده پنج قانون وکلای مدافع را در زیر مشاهده کنید که تعریفی از اصطلاحات کلیدی مربوط به وکالت دفاع را ارائه می کند. معمولاً قوانین نسبتاً جدید در مواد ابتدائی ماده یا موادی دارد که اصطلاحات بکار رفته در همان قانون را تعریف می کند.

اصطلاحات	اصطلاحگانی
ماده پنجم :	پنجمه ماده :
اصطلاحات آتی در این قانون معانی ذیل را افاده می نماید:	لاندی اصطلاحگانی پدی قانون کی لاندی معاوی افاده کوی :
۱- وکیل مدافع: شخصی است که شامل فهرست وکلای مدافع بوده، مطابق احکام قانون در پیشگاه محاکم وسایر مراجع از حق مؤکلی خویش دفاع یا دعوی را اقامه می نماید.	۱- مدافع وکیل : هغه شخص دی چې د مدافع وکیلانو په فهرست کې شامل وي ، د قانون د حکمونو مطابق د محکمو او نورو مراجعو په وړاندې د خپل مؤکل له حق څخه دفاع یا دعوی اقامه کوي .

□ گاهی اوقات یک اصطلاح در رشته های مختلف حقوق معانی مختلف دارد. بطور مثال احاله در حقوق بین الملل خصوصی، اصول محاکمات، حقوق و جایب، و حقوق تجارت کاربرد دارد و معنی آن نظر به هر رشته از هم فرق می کند. لذا متوجه باشید که اصطلاح مورد نظر در کدام محدوده مورد استفاده قرار گرفته تا باشد از تداخل تعاریف و معانی جلوگیری شود.

□ بعضی اوقات یک اصطلاح کاربرد وسیع دارد و برای درک عمیق از تمام جنبه های اصطلاح به کتاب ها و مقالاتی که در زمینه نوشته شده است مراجعه کنید. به عنوان مثال اصطلاح سبب عقد به ظاهر اصطلاح ساده به نظر می رسد. ولی برای درک درست و کامل از آن باید به کتاب ها یا مقالاتی که این اصطلاح را به تفصیل بیان داشته مراجعه کنید.

□ گاهی اوقات منابع دیگری نیز ممکن شما را در دریافت معنی اصطلاح کمک کند. ارتباطات مسلکی و شناخت اشخاص با تجربه در این زمینه یکی از این منابع است. همینطور در دنیای که ما امروز زندگی می کنیم، تصاویر، ویدیو ها و فایل های صوتی از مباحث علمی و عملی را می توان پیدا کرد که شما را در شناخت مفاهیم و کاربرد آن ها کمک می کند. اگر شما به منابع آنلاین دسترسی داشته باشید، گاهی اوقات مشاهده یک ویدیو یا تصویر ساده

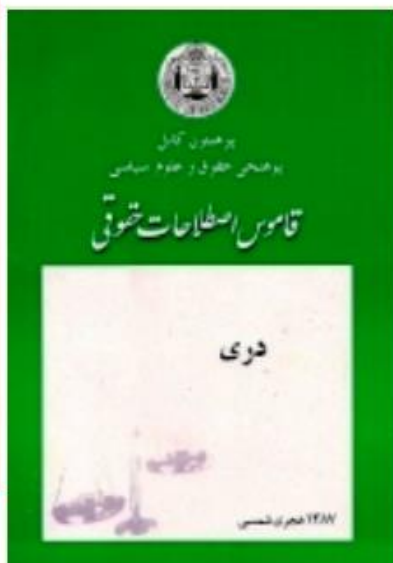
ترین روش درک مفاهیم حقوقی می باشد. استفاده از تکنالوژی امکان آنرا میسر می سازد که در زمان کم منابع زیادی را به ساده گی جستجو کنید.

□ توجه داشته باشید که مفهوم هر اصطلاح را درک کنید و مورد استعمال دقیق آنرا پیدا کنید. بسیاری مواقع ما فکر می کنیم که معنی یک اصطلاح را می دانیم ولی زمانیکه باید آنرا استعمال کنیم یا به شخص دیگری تشریح کنیم در مقابل سوالات زیادی قرار می گیریم که جواب آنها را نمی دانیم. لذا خوب است که با ذهن کنجکاو و نقاد به مفاهیم نگاه کرده و از حفظ مصطلحات بدون دانستن معنی دقیق آن خودداری کنیم. برای اینکار لازم است که ذهن خلاق داشته باشید و همواره موارد مبهم و یا هم اندکی مبهم را مورد سوال قرار دهید. زمانیکه تعریف یک اصطلاح را پیدا می کنید، به مثال های که ارائه شده دقت کنید. از خود بپرسید که آیا شما این اصطلاح را دوباره بکار برده می توانید یا مثالی برای آن تهیه کرده می توانید.

□ اگر اصطلاح مورد نظر شما اصطلاح خارجی است و شما میخواهید معنی آنرا دریابید، به دانستن معنی لغوی آن اکتفا نکنید. گاهی اوقات معنی لغوی اصطلاح گمراه کننده است. مثلاً شما ممکن معنی "شبه جرم" را برای اصطلاح tort یا معنی "نفع متقابل" را برای اصطلاح consideration بیابید. ولی این معانی در سیستم حقوقی ما کاربردی ندارند. در حقیقت این اصطلاحات معانی متفاوت از یک سیستم حقوقی متفاوت را افاده میکنند. لذا بهتر است که کاربرد و معنی واقعی آنرا در منبع خارجی مطالعه کنید و اصطلاح معادل آنرا در سیستم حقوقی افغانستان (اگر چنین معادلی وجود داشته باشد) با درک تفاوت های آن شناسایی کنید.

□ توجه داشته باشید که بعضی قوانین ما تاریخ طولانی دارند و اصطلاحاتی هر چند غیر حقوقی که در آنها بکار رفته ممکن امروز زیاد مورد استفاده نباشد. همانطوریکه در ابتدا یاد آور شدیم، زبان در حال تحول و تغییر بوده لذا خوب است معنی این اصطلاحات را با در نظر داشت قدمت تاریخی آنها دریابید. بطور مثال ممکن شما معنی مقلوع را ندانید. ولی این اصطلاح عربی که ما امروز آنرا کمتر استفاده می کنیم اصطلاح بسیار کلیدی در درکی یک ماده قانون مدنی است. فقره اول ماده 769 قانون مدنی را مطالعه کنید. متوجه خواهید شد که این ماده در مورد غصب عقار در حالتی است که غاصب بالای زمین مالک بنا ساخته باشد یا درخت کاشته باشد. در این حالت، قانون دو گزینه را به مالک پیشکش می کند. گزینه اول نسبتاً واضح است. ولی در گزینه دوم اصطلاح مقلوع در اخیر جمله ذکر شده که درک معنی و نحوه کاربرد این اصطلاح در فهم درست حکم قانون مبهم است. شما با مراجعه به یک فرهنگ لغت می توانید معنی، ریشه، و اصطلاحات مترادف این واژه را پیدا کنید. ممکن بعد از مراجعه به فرهنگ لغت شما متوجه شوید که اصطلاحات مثل قلع و قمع به گوش شما آشنا است. اگر شما علاقمند به مطالعه داستان ها و شعر های حماسی قدیمی باشید، این اصطلاح را باید شنیده باشید. همانطوریکه می بینید، فهم معنی این اصطلاح در درک درست حکم قانون بسیار مهم است. علاوه توجّه داشته باشید که هیچگاه اصطلاحی را نادیده نگرفته و از درک معنی آن صرفنظر نکنید. چه بسا ممکن که فقط یک اصطلاح معنی یک جمله را تغییر دهد. بالاخره با مراجعه به منابع دیگر از جمله فرهنگ لغات غیر تخصصی شما قادر میشوید که واژه جدید را به ساده گی درک و حفظ کنید.





دو فرهنگ یا قاموس اصطلاحات حقوقی که بصورت آنلاین وجود دارد.

اکنون به بخش دیگر این فصل که اصطلاحاتی از رشته ها و مباحث مختلف حقوقی برای مطالعه و تمرین شما تهیه گردیده است، می پردازیم. این بخش ها را به ترتیب زیر مطالعه کنید:

(أ) ابتدا متنی را که برای شما انتخاب شده به دقت بخوانید. این متون از کتاب های مضامین مختلف حقوقی انتخاب شده و هر متن قسمتی از مباحث یک رشته یا مبحث حقوقی را تشکیل میدهد.

(ب) سپس واژگان کلیدی لست شده برای هر بخش را مرور کنید. در مورد معنی هر یک برای لحظه ای فکر کنید.

(ج) بعد از مطالعه تمام واژگان هر بخش، معنی هر یک را پیدا نمائید. برای دریافت این اصطلاحات از روش های که در بالا ذکر شده استفاده نمائید. در قسمت اخیر هر بخش منابع بیشتر برای مطالعه و تحقیق شما فهرست گردیده است. در جریان جستجو برای دریافت تعریف یا معنی هر اصطلاح که در بخش "واژگان کلیدی" لست گردیده، شما می توانید از این منابع نیز استفاده کنید.

(د) تعریف یا معنی که شما ابتدا از هر واژه در ذهن داشتید را با تعریف یا معنی که پیدا کردید مقایسه کنید.

(ه) تمرین های باقی مانده را انجام بدهید.

## 2. اصطلاحات حقوقی مربوط به مسلک حقوق

در بحث زیر که مقتبس از کتاب درسی در رابطه به حقوق جزا است، به نقش و وظایف وکلای مدافع در نظام عدلی توجه نماید. این متن را خوانده سپس به سوالات زیر پاسخ دهید.

### وکلای مدافع<sup>5</sup>

وکیل مدافع، مانند سایر متخصصان حقوقی، بخشی از نظام عدلی بوده و باید در دست یابی به حقیقت سهم بگیرد. وکلای مدافع موفق کوشش میکنند تا حقیقت را به طور مؤثر با ارائه دیدگاه و موضعگیری متهم که اغلب با دیدگاه خرنوال در تضاد قرار میگیرد، آشکار سازد. برای مؤثریت این کار، وکیل مدافع باید برای تأمین منافع مؤکل خویش تلاش نموده و تمام دانش و توانایی خود را در این زمینه به کار گیرد. برای این منظور، متهم باید قادر به برقراری تفاهم با وکیل مدافع خود باشد تا اطمینان حاصل شود که وکیل مشوره های مؤثر را به مؤکل خود میدهد و مدافع جدی او میباشد...

در یک سیستم مؤثر، وکلای مدافع قبل از عملکرد به حیث وکیل مدافع متهم، باید شرایط معین این حرفه را برآورده سازد. این شرایط عبارتند از:

1. صلاحیت و شایستگی - در اختیار داشتن دانش حقوقی مناسب، مهارت، نظم و دقت، و آماده گی برای وظیفه دفاع از متهم؛
2. فارغ بودن از تضاد منافع - نمایندگی نه کردن همزمان از مؤکلین متعدد که آثار و نتایج معکوس دارد. خود داری از اشکال دیگری اشتغال از جمله مشغله سیاسی، مالی، و یا منافع مادی که وکیل مدافع را از کار دفاع متهم دور میکند؛
3. مطمئن شدن از اینکه مؤکل دارای فرصت تصمیم گیری در موارد مهم قضیه است؛
4. محرمانه بودن - وکیل مدافع نباید اطلاعاتی را که حین داشتن رابطه حرفه ای از متهم دریافت کرده است فاش یا آشکار سازد، مگر اینکه مؤکل اجازه این کار را بدهد و یا در محدود حالات استثنائی که افشا معلومات محرم مجاز است؛
5. ارتباطات یا افهام و تفهیم - همانطوری که در بالا ذکر شد، متهم و وکیل نیاز برای تأمین موفقانه دفاعیه و برقراری ارتباطات با یکدیگر دارند؛ و
6. اخلاص - تمام اطلاعات، شهادت و شواهد ارائه شده توسط وکیل باید صادقانه باشد.

مسئولیت های حرفه ای فوق الذکر برای اعضای انجمن وکلای مدافع بخشی از یک سیستم بزرگتر اخلاق مسلکی است. به عبارت ساده تر، اخلاق مسلکی مجموعه اصول رفتاری است برای افرادی که در محاکم کار وکالت را پیگیری میکنند. این اصول رهنمودی را برای چگونگی روابط مؤکل و وکیل و وظایف وکیل مدافع، فراهم میکند و جامعیت حرفه حقوقی را تداوم میبخشد.

### واژگان کلیدی

- |                |                       |                 |
|----------------|-----------------------|-----------------|
| • ابرام        | • اخلاق مسلکی         | • استقلالیت قضا |
| • انسلاک قضایی | • بطلان               | • بی بضاعت      |
| • تجدید نظر    | • تصحیح حکم           | • تعدیل حکم     |
| • تفسیر        | • جوازنامه وکالت دفاع | • حکم           |
| • حکم قطعی     | • دعوی                | • خرنوالی       |
| • ستره محکمه   | • فیصله               | • قاضی          |
| • قرار         | • قضا                 | • قضیه          |

<sup>5</sup> پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (ALEP)، دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد، مبادی حقوق جزای افغانستان، ویرایش دوم، ص. 157 - 158.

- کارکن خدمات ملکی
- کلینیک های حقوقی
- لغو حکم
- محکمه
- محکمه ابتدائیه
- محکمه استیناف
- مساعد حقوقی
- مساعدت حقوقی
- مستشار قضائی
- مسلک
- نقض حکم
- وکیل مدافع

### تمرین

أ. حالا معنی اصطلاحات بخش *واژگان کلیدی* را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

ب. جملات صحیح و غلط را مشخص سازید.

(أ) در افغانستان دو نوع وکیل مدافع وجود دارد: اول آنانیکه مستقل کار میکنند و دوم آنانیکه مساعد حقوقی شمرده می شوند و معمولاً از طریق اداره دیگری خدمات حقوقی رایگان را به اشخاص مستحق ارائه می کنند.

درست

نادرست

(ب) دولت مکلف است برای هر شخص بی بضاعت در قضایای مدنی و جزایی وکیل مدافع تعیین نماید.

درست

نادرست

(ت) پولیس بعد از کشف جرم همراه با اداره خرنوالی در تحقیق پیرامون جرم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه دخیل می باشد.

درست

نادرست

(ث) قضات مکلف اند که در تصمیم گیری های خود مطابق قوانین عمل کرده و باید در فیصله های خود اساس قانونی که به استناد آن حکم صادر کرده اند را مشخص نمایند.

درست

نادرست

(ج) مظنون و متهم دو اصطلاح مترادف بوده و به شخصی اطلاق میگردد که توسط پولیس به ظن ارتکاب عمل جرمی بازداشت گردیده باشند.

درست

نادرست

ج. متن زیر مواد اقتباس شده از قانون اساسی افغانستان است که احکامی را در مورد وکالت دفاع، قضا، خرنوالی، پولیس، حقوق مظنون و متهم و بلاخره اصول محاکمه در بر دارد. این مواد را به دقت خوانده و سپس معنی اصطلاحات کلیدی که در این مواد بکار رفته را پیدا کنید.

### مواد منتخب از قانون اساسی 1382

**ماده سی و یکم:**

هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعادی که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد.

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید. محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون می باشد. وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

#### **ماده یکصد و شانزدهم:**

قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم میگردد. ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضایی در راس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

#### **اده یکصد و بیستم:**

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

#### **ماده یکصد و بیست و هشتم:**

در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد. محکمه می تواند در حالاتیکه در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

#### **ماده یکصد و بیست و نهم:**

محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند. تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می باشد.

#### **ماده یکصد و سی ام:**

محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند. هرگاه برای قضیه بی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

#### **ماده یکصد و سی چهارم:**

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف خرنوالی مطابق به احکام قانون صورت میگردد. خرنوالی جزء قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می باشد. تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت خرنوالی توسط قانون تنظیم میگردد. کشف و تحقیق جرایم وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و موظفین امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می گردد.

#### **ماده یکصد و سی و پنجم:**

اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری، توسط ترجمان برایش تأمین میگردد.

#### **منابع برای مطالعه بیشتر**

— قانون وکلای مدافع، جریده رسمی شماره 934 سال 1386.  
— اساننامه انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان و ضمایم آن، انجمن مستقل وکلای مدافع افغانستان، سال 2008 م.

- قانون تشکیل و صلاحیت څارنوالی، جریده رسمی شماره 1117 سال 1392.
- مقررۀ مساعدت های حقوقی، جریده رسمی شماره 950 سال 1387.
- قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان، جریده رسمی شماره 1109 سال 1392 هـ. ش.
- پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان، کتاب درسی اخلاق حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه استانبورد، سال 2015 م.

### 3. اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق عدلی و حقوق آفاقی

متن زیر در مورد معانی مختلف اصطلاح حقوق را مطالعه نمائید. دقت نمائید چگونه یک اصطلاح ممکن بیشتر از یک معنی داشته باشد.

#### معنی اصطلاحی حقوق<sup>6</sup>

... حقوق مانند سایر پدیده‌ها و مفاهیم اجتماعی دارای مفهوم مغلق بوده و دانشمندان آن را در اعصار و ادوار گذشته به گونه‌های مختلف تعبیر و تعریف کرده اند.

برای این که حقوق به هدف نهایی خود، یعنی استقرار عدالت در روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع برسد، ناچار باید برای بخشی از مردم امتیازهایی در برابر دیگران بشناسد و با ایجاد تکلیف برای گروه دوم توانایی خاصی به آنان اعطا کند. این امتیاز و توانایی را که حقوق هر جامعه منظم برای اعضای خود به وجود می‌آورد، حق می‌نامند، که جمع آن حقوق است و حقوق فردی نیز گفته می‌شود. بنابر این حق حیات، حق مالکیت، حق زوجیت و مانند این‌ها، به اعتبار معنی اخیر است و حال آن که اصطلاح حقوق، به معنی نخست همیشه با ترکیب جمع به کار می‌رود و برای نشان دادن مجموعه نظامات و قوانین، مانند حقوق افغانستان، حقوق مدنی، حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام نیز استعمال می‌شود.

همان گونه که اشاره شد حقوق معانی دیگری هم دارد. به عنوان مثال وقتی سخن از حقوق کارمندان دولت یا دیگر حقوق می‌شود، مقصود دست مزد کارمندان دولت است. هنگامی که سخن از تعلیم و فرا گرفتن حقوق می‌شود، منظور علم حقوق و قواعد حاکم بر کوش‌های علمی در این باب است.

و یا در تعریف دیگری از حقوق می‌توان گفت: حقوق مجموع قواعد الزام آور و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود.

وظیفه دولت قانون‌گذار در این جمله نیز خلاصه می‌شود: "تأمین صلح از راه اجرای عدالت". شعاری که از دیر باز آرمان اصلاح طلبان بوده و هم اکنون نیز برنامه دولت مردان می‌باشد.

به نظر سیسرون عبارت از مجموع قواعد حد اعلاى منطق است که در طبیعت نهاده شده و حکم به انجام اعمال می‌دهد که باید صورت گیرد و عکس آن را منع می‌نماید.

کانت می‌گوید، حقوق عبارت از مجموع شرایط است که بر اساس آن اراده يك نفر بر طبق اصل آزادی مشترك با اراده دیگری تلفیق پیدا کند.

ارسطو حقوق را این گونه تعریف می‌کند: حقوق عبارت از بیان مشخص و صریح از طرف دولت است، که بر توافق مشترك مبتنی باشد و آگاهی دهد که هر امری چگونه باید انجام گیرد.

به نظر مایرس مک دوگال امریکایی: حقوق عبارت است از احکام مقام صلاحیت‌دار که با قدرت مؤثر یا کنترول توأم باشد.

در تعریف حقوق می‌توان گفت: قاعده‌ای است که بر اعمال اشخاص از این جهت که در اجتماع هستند حکومت می‌کند و اجرای آن از جانب دولت تضمین شده است.

از نظر علمی حقوق در مرحله اول عبارت از یک سلسله قواعدی است که زندگی انسانی را در داخل جامعه رهبری می‌کند، که رومی‌ها اصطلاح (JUS) را به حقوق دادند.

گویا در این جا حقوق به معنی قواعد سلوک استعمال شده است، لذا گفته می‌توانیم که حقوق عبارت از یک سلسله قواعدی است که زندگی انسانی را در داخل جامعه رهبری و سوق می‌دهد. در این جا حقوق مفهوم آفاقی اش را افاده می‌کند که، اصطلاح انگلیسی آن (LAW) می‌باشد.

پروفیسور لیبور آفاقی را این گونه تعریف می‌کند: حقوق آفاقی مجموع قواعد رهنمونی است که در يك جامعه منظم مرادات و مناسبات بین افراد را به شکل دستوری تنظیم می‌کند و یا باید کند و توسط جبر اجتماعی بالایشان تعمیم می‌گردد و یا باید گردد.

که اینک برای وضاحت بیشتر مطلب، به ارایه چند مثال می‌پردازیم.

1. در هر اجتماع قواعد در رابطه به ازدواج وجود دارد که هدف آن متوجه ساختن پسر و دختر است به حقوق و وجایب که باید طرفین عقد ازدواج این دساتیر را در موقع برگذاری ازدواج، مثلاً تکمیل سن رشد، ایجاب و قبول و غیره چه

<sup>6</sup> نصر الله ستانکزی، مبادی حقوق (کتاب درسی)، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل، 1387، ص. 7 - 8.

- در دوران زوجیت و چه بعد از آن مانند پرداخت نفقه از طرف شوهر، حفظ تساند و همکاری، صداقت فامیلی و در مجموع آنچه به این عقد مربوط است آن را باید، رعایت کنند.
2. در همه اجتماعات بشری قواعد راجع به عقود وجود دارد. این قواعد صریحاً رهنمائی می‌کنند که، عقد یا قرارداد بین اشخاص بر چه اساس منعقد می‌شود؟ شروط انعقاد عقد چیست؟ کدام عقد صحیح و کدام عقد نادرست است؟ آثار عقد صحیح و نادرست یا باطل چیست؟ و چه حقوق و مؤیدات را در قبال دارد؟
3. در هر اجتماع قواعد به نام حقوق جزا وجود دارد؛ زیرا در زندگی اجتماعی افرادی را می‌توان سراغ کرد که اعمال شان نظم اجتماعی را مختل ساخته و علاوه بر آن ناحیه ارتکاب این اعمال شان، به دیگران ضرر وارد می‌شود. بنابر قواعد جزایی در هر اجتماع لازم بوده تا اعمال خلاف قانون و شریعت را که جرم پنداشته می‌شوند، پیش‌بینی کرده تدابیری را وضع نماید. تا از وقوع عمل خلاف قانون جلوگیری شود. احياناً اگر شخصی باز هم به این دساتیر رهنمونی توجه نکرده و مرتکب اعمال ممنوعه شد، باید که مستوجب مجازات شناخته شود و کسانی که از ناحیه فعل انجام شده متضرر شناخته شوند جبران خساره به آنها پرداخته شود. آنچه تا حال گفتیم ممکن است مفهوم حقوق را از نگاه آفاقی آن واضح ساخته باشد و آن: عبارت از مجموع یا دسته‌ای از قواعد و دساتیر است که برای رهنمای سلوک بشری، تأمین نظم اجتماعی، آسایش مادی و معنوی که در اجتماع معین، مثلاً افغانستان، امریکا، فرانسه و غیره زیست می‌کنند وضع شده و توسط جبر اجتماع (دیترمنیزم اجتماعی) بالای افراد جامعه به غرض حفظ نظم عامه مورد تطبیق قرار می‌گیرد...

تا اینجا شما یک مفهوم حقوق را درک کردید. آیا متوجه شدید که چگونه در یک زبان یک اصطلاح بیشتر از یک معنی داشته می‌تواند؟ حالانکه در زبان دیگر ممکن برای عین مفهوم چندین اصطلاح وجود داشته باشد. همانطوریکه در این متون شما مشاهده می‌کنید، در زبان انگلیسی برای حق عندی و حقوق آفاقی اصطلاحات متفاوت بکار می‌رود. ولی شما ممکن عین موضوع را در زبان های دیگر نیز مشاهده کنید. در زبان انگلیسی ممکن اصطلاحات هم‌ریشه و بسیار نزدیک به هم را پیدا می‌کنید که دو مفهوم متفاوت را افاده می‌کند. ولی بر عکس برای این مفاهیم ممکن در زبان دری اصطلاحات متفاوتی وجود داشته باشد. مثلاً اصطلاحات damage و damages را در زبان انگلیسی در نظر بگیرید. این دو اصطلاح دو مفهوم حقوقی کاملاً مجزا را افاده می‌کند. بسیاری ها که از این خصوصیات زبان آگاهی ندارند، اغلب این اصطلاحات و مفاهیم را با هم خلط می‌کنند. به همین ترتیب در زبان دری بسیار ساده است که مفاهیم حقوق و قانون یا دولت و حکومت را به عوض یکدیگر بکار برد. آیا به یاد دارید که شخصی این مفاهیم را با هم خلط کرده باشد؟

#### ادامه معنی اصطلاحی حقوق<sup>7</sup>

مفهوم دوم حقوق از مفهوم اول آن یعنی حقوق آفاقی استنباط می‌شود. آن بدین معنی است که حقوق در این مرحله افاده قدرت و امتیاز را می‌کند و شخص از دساتیر حقوق آفاقی فایده حقوقی کسب می‌کند که به نام حقوق ذاتی، عندی یا انفسی یاد می‌شود. اصطلاح انگلیسی آن (right) یعنی "درست" است. به عباره دیگر حقوق به این معنی عبارت از اقتدار و امتیازی است که یک شخص به موجب دستور حقوق آفاقی یا قاعده حقوقی دارد و حامل حق شناخته می‌شود.

هرگاه مثال‌های فوق را که در مورد حقوق آفاقی تذکر دادیم در نظر بگیریم، از آن به خوبی می‌توان مفهوم حقوق عندی را به دست آورد. قسمی که در بالا گفتیم در هر اجتماع راجع به ازدواج قواعد حقوقی وجود دارد. مثلاً اگر شخصی واجد سن قانونی ازدواج شناخته شود، او حق پیدا می‌کند که ازدواج نماید و این حق جزو حق ذاتی یا عندی او بوده که از دساتیر حقوق آفاقی نشأت کرده است. فرضاً قاعده حقوق آفاقی تصریح کرده باشد که پسر با تکمیل نمودن سن 18 و دختر با تکمیل نمودن سن 16 می‌توانند ازدواج و خود را از یک حالت حقوقی مجرد به حالت دیگر حقوقی که عبارت از تأهل است قرار دهند و به موجب آن صاحب یک سلسله حقوق و امتیازات و و جایب گردند. طوری که قبلاً راجع به انعقاد عقد توضیح دادیم، قواعد رهنمونی وجود دارد؛ لذا اگر یک عقد به صورت قانونی طوری که قاعده حقوقی دستور داده است منعقد شود، این رابطه حقوق بین طرفین عقد گفته می‌شود و به موجب آن طرفین قرارداد (عقد) صاحب اقتدار و امتیازات می‌شوند، که قبلاً در مقابل یکدیگر دارا نبوده اند. مثلاً اگر یکی از عاقدین و جایب تقاعدی خود را ایفا نکند طرف مقابل دارای حق ذاتی می‌گردد که به موجب آن می‌تواند جانب مقابل را قهراً وادار به ایفای وجیبه‌اش سازد. به همین اساس به صورت عموم گفته می‌توانیم که قرار گرفتن در یک حالت حقوقی که راجع به آن قاعده حقوقی قبلاً وجود داشته باشد شخص به رویت آن صاحب حق عندی یا ذاتی می‌گردد. قانون ترائفیک که یک قاعده حقوق آفاقی گفته می‌شود، پیش‌بینی می‌کند که، هرگاه یک

<sup>7</sup> همان، ص 9-10.

شخص بدون تقصیر از تصادم ترافیکی متضرر شود، شخص مذکور حق جبران خساره را که در واقع حق ذاتی یا عندی او است دارد و این ناشی از قاعده حقوق آفاقی و واقع شدن شخص در وضعیت حقوقی پیش‌بینی شده می‌باشد. در مورد این که شخص به حیث عضوی یک اجتماع منظم و مشخص دارای کدام نوع حقوق ذاتی یا عندی می‌باشد، در قسمت دوم درس مبادی حقوق در ضمن مباحث تصنیف حقوق عندی به تفصیل صحبت خواهیم کرد. حال از آنچه که گفتیم باید نتیجه گیری و تعریف را به حق عندی به مقایسه حقوق آفاقی جست - و- جو و سراغ کرد، تا از مغالطه جلوگیری شده و بدین وسیله می‌توان به مفهوم حقوق رسید که: حق عندی یا ذاتی عبارت از اختیار و اقتداری است که از طرف حقوق آفاقی به شخص داده می‌شود. در حالی که حقوق آفاقی عبارت از اوامر است که برای تنظیم حیات اجتماعی وضع شده است.

مختصراً باید گفت: حقوق شامل دو نوع قواعد و دساتیر رهنمونی جهت تنظیم روابط اجتماعی و مناسبات ذات‌البینی افراد جامعه است. یکی قواعد عمومی و دیگری قواعد خصوصی. حقوق در قسمت قواعد عمومی سعی می‌ورزد تا جهت استقرار نظم در جامعه و تنظیم مناسبات اجتماعی دساتیری را وضع، راجع به مواقف، حالات و حادثات اجتماعی بحث کرده و مقرراتی را پیش‌بینی کند. در حالی که حقوق خصوصی، حقوق و وجایب افراد را در جامعه، چه به صورت عمده یا قصدی و بنابر تبارز اراده خودشان (اعمال حقوقی) قرار می‌دهد و یا غیر عمده و خارج از اراده خودشان (حادثات حقوقی) قرار گرفته و حایز حق عندی یا ذاتی می‌گردد. این موضوع بعداً مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### واژگان کلیدی

- |               |               |                        |
|---------------|---------------|------------------------|
| • آزادی       | • حق جوار     | • حقوق بشر             |
| • اعمال حقوقی | • حق دینی     | • حقوق طبیعی           |
| • امتیاز      | • حق عینی     | • حقوق عندی            |
| • برابری      | • حق غیر مالی | • حقوق معنوی           |
| • تکلیف       | • حق مالی     | • حوادث حقوقی          |
| • حق اساسی    | • حق مجرا     | • سلطه                 |
| • حق استعمال  | • حق مرور     | • عدالت                |
| • حق العبد    | • حق مسیل     | • مؤیده                |
| • حق الله     | • حقابه       | • وجبیه                |
| • حق تقدم     | • حقوق ارتفاق | • حقوق اقتصادی اجتماعی |
| • حقوق سیاسی  | • حقوق آفاقی  | • حقوق مدنی            |

### تمرین

أ. معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

ب. با استفاده از اصطلاحات حقوقی که در بالا ذکر شد، حقوق و وجایب اساسی خود را با استناد به قانون اساسی توضیح دهید.

### منابع برای مطالعه بیشتر و یاسخ به تمرینات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، سال 1382 هـ.ش.
- قانون مدنی افغانستان، جریده رسمی شماره 353 سال 1355 هـ.ش.
- ستانکزی، نصر الله، مبادی حقوق (کتاب درسی)، پوهنخی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل، 1387.
- پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (ALEP)، مبادی حقوق افغانستان، دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد، 2009.



#### 4. اصطلاحات حقوقی مربوط به تقسیم بندی حقوق

تقسیم بندی حقوق یکی از مباحث است که هر دانشجوی حقوق در ابتدا در مورد آن می آموزد. این بحث صرف یک تصویر کلی از بخش های مختلف حقوق را ارائه می کند. هر بخش خود به بخش های فرعی تقسیم گردیده و مباحث زیادی را در بر میگیرد. بطور مثال حقوق تجارت امروز در حدی انکشاف کرده که خود به بخش ها و مضامین جدا گانه تقسیم گردیده است. به همین گونه هر بحث به ترتیب تعداد زیادی اصطلاحات حقوقی را شامل می گردد. درک تقسیم بندی حقوق شما را کمک میکند که تشخیص دهید اصطلاح مورد نظر در کدام ساحة حقوق قرار داشته و از کدام منبع باید برای یافتن تعریف آن استفاده کرد. متن زیر را مطالعه کرده و سپس معنی اصطلاحات کلیدی این مبحث را پیدا نمایید.

#### تصنيف حقوق 8

حقوق را می توان به اشکال مختلف آن صنف بندی کرد، که عمده ترین آن ها عبارت اند از تقسیم حقوق از نگاه منابع آن و تقسیم حقوق بر بنیاد قلمرو آن. اینک هر یک را به طور جداگانه مورد مطالعه قرار می دهیم.

**اول- تقسیم حقوق از نگاه منابع:** از این لحاظ به حقوق عرفی (غیر مدون) و حقوق مدون تقسیم می گردد. حالا هر یک را مختصراً به طور جداگانه مورد مطالعه قرار می دهیم.

#### مبحث اول- حقوق عرفی (غیر مدون)

حقوق غیر مدون یا عرفی به آن بخش حقوق گفته می شود که، اساس آن را عرف و عادات مردم تشکیل می دهد. از این رو به آن غیر مدون می گویند که از جانب قانونگذار وضع نمی گردد. بنابر این اساس حقوق عرفی آن قواعدی است که در حالت تکرار بنا به نیازمندی های جامعه به وجود می آید و در نتیجه مردم و جامعه بر اهمیت و ضرورت آن اعتماد پیدا می کنند.

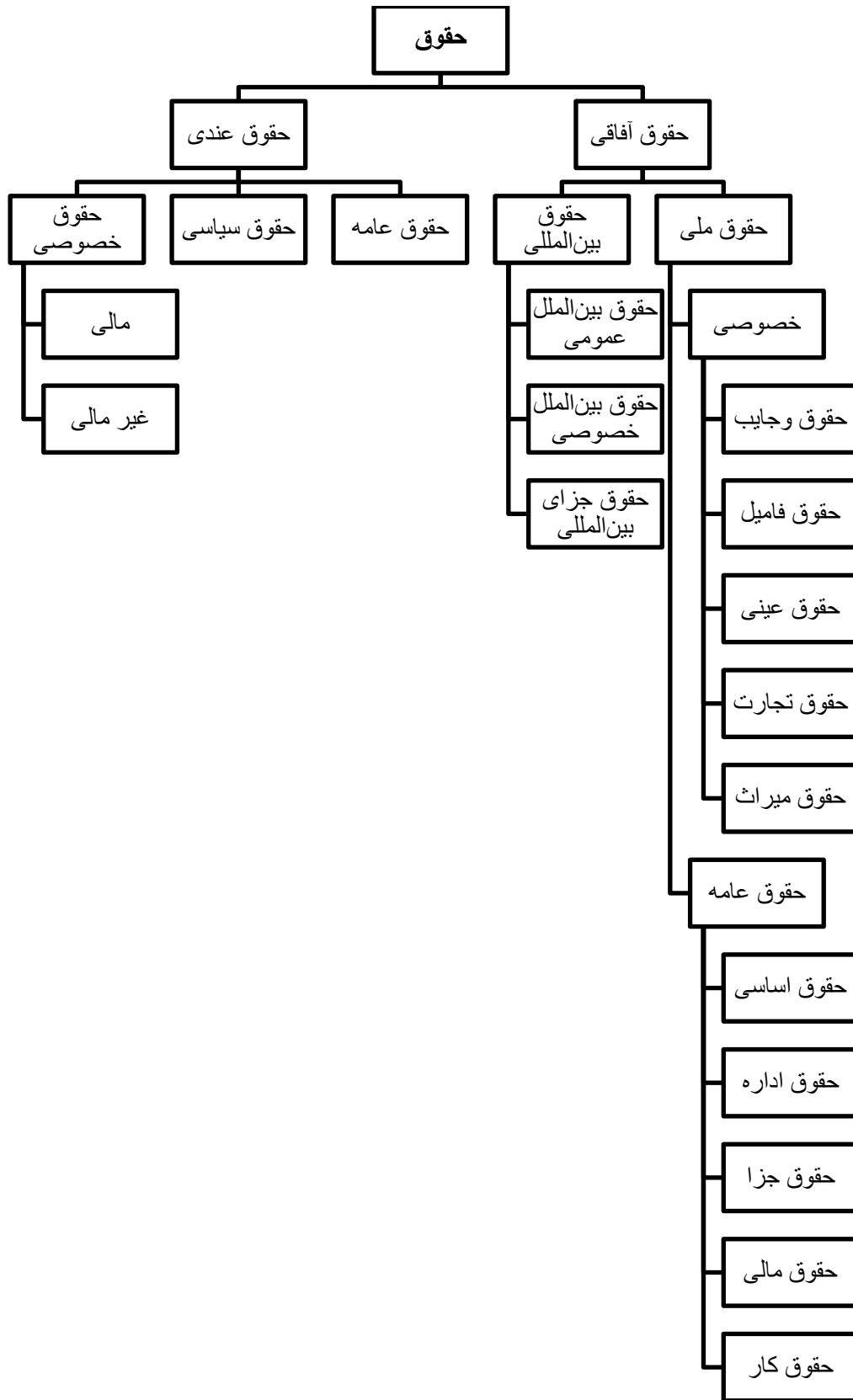
#### مبحث دوم- حقوق مدون

منظور آن قواعد حقوقی است که در جامعه به خاطر نظم اجتماعی وضع می گردد و مردم جامعه مسئولیت تطبیق آن را به عهده دارند و در مواقع ضروری با جبر همراه می باشد. مثال بزرگ حقوق مدون "قانون" می باشد.

**دوم- تصنیف حقوق بر بنیاد قلمرو:** از لحاظ قلمرو، حقوق به طور عام، به دو دسته بزرگ تقسیم می گردد. حقوق آفاقی (Objective Law) و حقوق عندی (انفسی، ذاتی، فطری) یا (Subjective Law). اینک در این مبحث به تصنیف حقوق آفاقی پرداخته و در قسمت حقوق عندی به تصنیف حقوق عندی خواهیم پرداخت. طوری که قبلاً یاد آوری کردیم حقوق آفاقی که اکثراً به نام قواعد حقوقی شناخته شده، مجموع قواعد رهنمونی سلوک بشری است که برای ایجاد نظم اجتماعی تدوین میگردد و تطبیق آن توأم با اجبار است، که آن را در زبان انگلیسی (Law) می گویند.

این قواعد در نخست به حقوق ملی (داخلی) و حقوق بین المللی (خارجی) تقسیم می گردد. حقوق ملی یا داخلی آن دسته قواعدی اند که در قلمرو و سرزمین یک کشور قابل اجرا و تطبیق می باشد. حقوق بین المللی یا حقوق خارجی آن دسته قواعدی اند که، نه تنها مربوط یک کشور؛ بلکه قلمرو آن فراتر از قلمرو کشورها بوده و شخصیت های آن نیز نسبت به شخصیت های ملی متفاوت می باشد. حقوق ملی یا داخلی به نوبه خویش به حقوق عامه و حقوق خصوصی تقسیم گردیده که هر یک از این شعبات دارای بخش های مختلف می باشد. حقوق بین الملل نیز به نوبه خویش به شعبات حقوق بین الملل عمومی، حقوق بین الملل خصوصی و حقوق جزای بین المللی تقسیم می گردد.

<sup>8</sup> همان اثر، ص 55 - 57.



## واژگان کلیدی:

- حقوق عندی
- حقوق آفاقی
- حقوق عامه
- حقوق خصوصی
- حقوق شکلی
- حقوق ماهوی
- حقوق اساسی
- حقوق کار
- حقوق وجایب
- حقوق جزا
- حقوق مالی
- حقوق فامیل
- حقوق ملی
- حقوق بین المللی
- حقوق اداری
- حقوق تجارت
- حقوق بین الملل خصوصی
- حقوق بین الملل عمومی
- حقوق عینی
- حقوق میراث

## تمرین

(أ) معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

(ب) هریک اصطلاح حقوقی را با رشته حقوقی در ستون مقابل آن ارتباط دهید. در صورتیکه یک اصطلاح با بیشتر از یک بخش حقوق ارتباط دارد، بخشی را انتخاب کنید که به نظر شما بیشترین ارتباط را با اصطلاح مورد نظر دارد.

- |  |   |
|--|---|
| <input type="checkbox"/> حقوق کار                  | <input type="checkbox"/> ارث              |
| <input type="checkbox"/> حقوق قراردادها            | <input type="checkbox"/> شرکت سهامی       |
| <input type="checkbox"/> حقوق اساسی                | <input type="checkbox"/> تصادم ترافیکی    |
| <input type="checkbox"/> حقوق فامیل                | <input type="checkbox"/> تقاعد            |
| <input type="checkbox"/> حقوق جزا                  | <input type="checkbox"/> تفکیک قوا        |
| <input type="checkbox"/> حقوق وجایب (مسئولیت مدنی) | <input type="checkbox"/> سرقت             |
| <input type="checkbox"/> حقوق مالی                 | <input type="checkbox"/> طلاق             |
| <input type="checkbox"/> حقوق میراث                | <input type="checkbox"/> مالیات بر عایدات |
| <input type="checkbox"/> حقوق تجارت                | <input type="checkbox"/> نقض قرارداد      |

## منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب سال 1382.
- نصر الله ستانکزی، مبادی حقوق (کتاب درسی)، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل، 1387.
- پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (ALEP)، دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد، معرفی حقوق افغانستان، ویرایش دوم، کالیفرنیا، ایالات متحده امریکا، 2009 م.

## 5. اصطلاحات حقوقی مربوط به اصول محاکمات

متن زیر اساساً به اصول محاکمات تجارتي پرداخته است. ولی همانطوریکه مطالعه خواهید کرد، معلوماتی در مورد اصول محاکمات در کل و اصول محاکمات مدنی، جزائی، و اداری نیز به معرفی گرفته شده است. این بخش را مطالعه کرده و سپس تمرین های زیر را تکمیل کنید.

### جایگاه اصول محاکمات تجارتي در میان سایر رشته های حقوق<sup>9</sup>

طوریکه هویدا است، دولت ها برای تأمین نظم، آسایش عامه و تأمین حقوق و همچنان تنظیم مناسبات ذات البینی افراد، قواعد و مقررات متنی بخصوصی را وضع میدارند تا باشد که بدین ترتیب ساحات مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تنظیم کند، که ازین لحاظ، بطور عموم بدودسته قواعد یا دو رشته مشخص حقوق بر می خوریم: یکی قواعد حقوق عامه و دیگری قواعد حقوق خصوصی، که اولی روابط بین اتباع و دولت را و دومی مناسبات ذات البینی افراد را میان خود ایشان، تأمین و تنظیم مینماید، لذا دیده میشود که هر حق از نظر ماهیت و مبدأ از هم متفاوت است .

بناء هرگاه اختلافی در زمینه بروز کند، از آنجائیکه منشأ و مبنای حق متنازع فیه در مورد مختلف که ساحات دوگانه فوق را تشکیل میدهد، جستجو میشود. پس برای طرح و شناخت آن، هم چنان طوریکه قبلاً نیز تذکر رفت، اصول محاکمات در مجموع مشتمل از قواعد شکلی بوده که از یکسو مکمل قواعد متنی شناخته میشود و از سوی دیگر، بحیث قواعد تطبیق کننده قواعد مزبور شناخته میشود . بناءً بطور عام به چهار نوع اصول محاکمات برمیخوریم .

#### 1- اصول محاکمات جزائی:

عبارت از مجموعه قواعدی است که در دعوی ناشی از ارتکاب جرمی، قابلیت تطبیق را داشته و بدسترس محاکم جزائی گذاشته شده تا از یکطرف به اساس آن، بالای متخلف موئیده جزائی را تطبیق و از طرف دیگر متهمین در برابر اتهامات وارده، از خود دفاع نمایند .

#### 2- اصول محاکمات اداری:

عبارت از مجموعه قواعدی است که در منازعات ناشی از اعمال اداری میان اشخاص حقیقی، اداره قابلیت تطبیق را داشته باشد تا متخلف تخطی، اداری بتواند جهت برائت خود، از آن استفاده نماید. ناگفته نباید گذاشت که افغانستان دارای اصول محاکمات اداری نیست؛ زیرا تشکیلات قضائی افغانستان محاکم اداری را پیشبینی نمی نماید .

#### 3- اصول محاکمات مدنی:

عبارت از مجموعه قواعدی است که درقبال اختلافات مدنی ناشی از اعمال حقوقی و حوادث حقوقی که بین اشخاص، اعم از حقیقی و حکمی رخ میدهد، قابل تطبیق است .

### واژگان کلیدی

- |                       |                      |                      |
|-----------------------|----------------------|----------------------|
| • ارکان دعوی          | • استنطاق            | • اصول محاکمات اداری |
| • اصول محاکمات تجارتي | • اصول محاکمات جزایی | • اصول محاکمات مدنی  |
| • افلاس و ورشکستگی    | • اقرار              | • اقرار              |
| • امارت               | • برائت              | • تحقیق جرک          |
| • تعقیب عدلی          | • تفتیش              | • تلاشی              |
| • توقیف               | • حجز                | • حفظ اوراق          |
| • دعوی                | • دعوی جزایی         | • سند                |
| • شهادت               | • شهادت              | • صلاحیت             |
| • صلاحیت موضوعی       | • صلاحیت موضوعی      | • صورت دعوی          |
| • ضبط                 | • قرار               | • قراین              |
| • کشف جرم             | • مامور ضبط قضایی    | • متهم               |

<sup>9</sup> نصراله ستانکزی، شیر علی امن، و ولی محمد ناصح، اصول محاکمات تجارتي (کتاب درسی)، تمویل شده توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوق (ایدیلو)، کابل، سال 1387، ص 13 - 14.

- مجنی علیه
- محکوم علیه
- مدعی
- مراحل دعوی
- مرحله تمیز
- مسئول حق العبد
- نظارت
- محاکمه
- محکوم له
- مدعی حق العبد
- مرحله ابتدائی دعوی
- مرور زمان
- مصادره
- نظر اهل خبره
- محکوم بها
- مدارک
- مدعی علیه
- مرحله استیناف دعوی
- مرور زمان
- مظنون
- وسایل اثبات

### تمرین

أ. حالا معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

ب. جملات صحیح و غلط را مشخص سازید:

(أ) اصول محاکمات مدنی قواعدی است که شیوه اقامه یک قضیه جزایی را در محکمه توضیح میدهد.

درست

نادرست

(ب) قواعد حقوق خصوصی مناسبات ذات البینی افراد را میان خود ایشان تأمین و تنظیم مینماید.

درست

نادرست

(ت) شکلیات دعوی در مورد نقض قرارداد توسط قواعد اصول محاکمات مدنی تنظیم می گردد.

درست

نادرست

(ث) تشریفات اقامه دعوی علیه مظنون به ارتکاب جرم در مطابقت به اصول محاکمات جزایی صورت می گیرد.

درست

نادرست

(ج) یکی از مباحث اساسی در اصول محاکمات قواعد مربوط به تشخیص محاکم ذیصلاح است.

درست

نادرست

### منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- قانون اصول محاکمات مدنی، جریده رسمی شماره 722، سال 1369 ه.ش.
- قانون مدنی افغانستان، جریده رسمی شماره 353 سال 1355 ه.ش.
- قانون اصول محاکمات تجارتي، جریده رسمی شماره 1، سال 1342 ه.ش.
- قانون اجراء جزایی، جریده رسمی 1132 سال 1393 ه.ش.
- قانون طرز تحصیل حقوق، جریده رسمی شماره 786 سال 1420 ه.ق.
- شمس، شمس الرحمن، فایز، عبدالصیر و دیگران، اصول محاکمات تجارتي (کتاب درسی کورس آموزش قضایی)، تهیه و منتشر شده توسط بخش آموزش قضائی پروژه عدلی و قضایی افغانستان، کابل، سال 2008 م.
- مشتاقی، رامین، رهنمود ماکس پلانک برای تشکیلات و صلاحیت محاکم افغانستان، انستیتوت حقوق مقایسوی عامه و حقوق بین الدول ماکس پلانک، مترجم داکتر غلام حسین غلامی، سال 1388 ه.ش.

## 6. اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق اساسی

در زیر بحثی پیرامون رابطه میان حقوق اساسی و قانون اساسی نقل گردیده است. این بحث را به دقت خوانده و به سوالات زیر پاسخ دهید.

### قانون اساسی و حقوق اساسی<sup>10</sup>

قانون اساسی یکی از منابع حقوق اساسی و احتمالاً مهم‌ترین منبع آن محسوب می‌گردد. به این مفهوم که، موضوعاتی که در حقوق اساسی تدریس می‌گردد، عمدتاً در قانون اساسی گنجانیده می‌شود. حقوق اساسی، از تنظیم مناسبات حقوقی و سیاسی جامعه صحبت می‌کند. یعنی، از یک طرف روابط و مناسبات نهادهای عامه را متقابلاً مورد بحث قرار می‌دهد و از جانب دیگر، روابط افراد و مؤسسات سیاسی را مطالعه می‌کند. قانون اساسی منحصبت یک مقوله اجتماعی و متن مکتوب، ساختار عمومی و رژیم سیاسی یک دولت را در قالب دساتیری که روابط نهادهای سیاسی را با هم و در برابر افراد تنظیم می‌کند، مورد بحث قرار می‌دهد. از آنچه فوقاً گفته شد، نباید چنین استنباط نمود که حقوق اساسی کاملاً در محدوده قانون اساسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، با این که حقوق اساسی یک کشور از قانون اساسی آن الهام و منشأ می‌گیرد؛ ولی در محدوده آن باقی نمی‌ماند. گویا مطالعه و تدریس حقوق اساسی فراتر از اساساتی می‌رود که، در قانون اساسی گنجانیده شده است؛ یعنی مطالعه حقوق اساسی بر علاوه، مسایل و موضوعاتی را احتوا می‌کند که در قانون اساسی یا گنجانیده نشده است و یا ناشی از نحوه تطبیق رژیم سیاسی است. به گونه مثال، سیستم احزاب سیاسی، گروپ‌های فشار، طرز کار حکومت، سیستم‌های انتخاباتی و یا بحث‌هایی از قبیل آزادی، مساوات، حاکمیت و امثالهم و یا این که مسایلی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که، از تطبیق قانون اساسی در حیات عملی و با در نظر داشت حالت اجتماعی و اقتصادی کشور به ظهور می‌رسد. در نهایت می‌توان گفت که، هرگاه قانون اساسی اصول کلی مؤسسات عالی دولت، روابط متقابل این نهادها و حقوق و امتیازات افراد را مورد بحث قرار می‌دهد، حقوق اساسی به نحوه تطبیق دساتیر مجوزه قانون اساسی و آنچه به وسیله قوانین عادی تنظیم می‌گردد و یا از حیات سیاسی و اجتماعی نشأت می‌کند، علاقه می‌گیرد.

### واژگان کلیدی

• حقوق اساسی	• قانون اساسی	• حاکمیت
• ملت	• دولت	• حکومت
• قرار داد اجتماعی	• شورای ملی	• قانون اساسی مدون
• قانون اساسی تعاملی	• قوانین اساسی انعطاف پذیر	• تسوید
• تفکیک قوا	• کابینه	• نظام فدرال
• استیضاح	• تفسیر	• استجواب
• لویه جرگه	• ولسی جرگه	• مشرانو جرگه
• حد نصاب	• همه پرسی	• صلاحیت ویتو
• تدوین	• تصویب	• قوانین اساسی انعطاف ناپذیر
• دولت بسیط	• دولت مرکب	• دولت کاندفدرال
• دولت فدرال	• رژیم ریاستی	• رژیم پارلمانی
• رئیس جمهور	• صدر اعظم	• ریفراندم
• گروپ های فشار	• حزب سیاسی	• انتخابات
• حالت اضطرار	• استقلال قضا	• ساحه خاک
• نفوس	• تابعیت	

<sup>10</sup> دکتر محمد طاهر هاشمی، حقوق اساسی و مؤسسات سیاسی (کتاب درسی)، پوهنځی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل، 1387، ص 17-18.

## تمرین

ا. حالا معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

ب. به سوالات زیر پاسخ ارائه نمایید:

- مهم‌ترین منبع حقوق اساسی یک کشور چیست؟
- چرا حقوق اساسی یک بخش حقوق عامه به حساب می‌آید؟
- آیا قانون اساسی با قانون عادی تفاوت دارد؟

### منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، سال 1382 هـ.ش.
- داکتر محمد ظاهر هاشمی، حقوق اساسی و مؤسسات سیاسی (کتاب درسی)، فاکولته حقوق و علوم سیاسی پوهنتون کابل، 1387 هـ.ش.
- پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (ALEP)، مبادی حقوق اساسی افغانستان، دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد، مترجم: شرکت خدمات حقوقی ایلیت، سال 2013 م.
- رامین مشتاقی، انسئیتوت حقوق مقایسوی عام و حقوق بین الدول ماکس پلانک، رهنمود انسئیتوت ماکس پلانک برای حقوق اساسی افغانستان، چاپ سوم، حمل 1388 هـ.ش.
- حقوق اساسی افغانستان (کتاب درسی کورس آموزش قضایی)، تهیه و منتشر شده توسط بخش آموزش قضائی پروژه عدلی و قضایی افغانستان، کابل، سال 2008 م.

## 7. اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق تجارت

متن زیر قسمتی از یک کتاب درسی در مورد حقوق تجارت افغانستان می باشد. این متن را به دقت خوانده و زیرکلمات و اصطلاحات مهم را خط بکشید. سپس معنی و تعریف هر اصطلاح و لغت را با استفاده از شیوه های که قبلاً توضیح شد پیدا نمایید.

### تعریف حقوق تجارت<sup>11</sup>

از لحاظ اقتصادی، تجارت به عملیاتی اطلاق می شود، که منحصر باشد به جریان انداختن و توزیع ثروت. در حالی که دایره عمل حقوق تجارت وسیع تر گردد، شامل عملیات مربوط به صنعت نیز می گردد و فقط امور مربوط به اموال غیر منقول، به موجب قوانین اغلب کشورها از آن مستثنا شده است.

حقوق تجارت مجموعه قواعد و اصولی است که روابط حقوقی و معاملات بین تجار و امور تجاری را تعریف و تنظیم می کند؛ اما این موضوع کاملاً حل نشده است که آیا حقوق تجارت، حقوق مربوط به تاجر است و یا حقوق مربوط به اعمال تجاری. در این مورد دو سیستم حقوقی متفاوت وجود دارد که اینک هر دو سیستم را مورد مطالعه قرار می دهیم.

**1 - تعریف حقوق تجارت بر اساس سیستم آفاقی یا موضوعی:** بر اساس این سیستم اولاً معاملات تجاری توصیف و بعداً توسط آن وصف تاجر و شرکت های تجاری تعیین شده است. به عبارتی دیگر، در این سیستم، معاملات تجاری اساس و هدف بوده و هر شخصی که این معاملات را انجام دهد، تاجر محسوب می گردد. به اساس این سیستم که مبنای حقوق تجارت فرانسه را تشکیل می دهد، حقوق تجارت عبارت است از حقوق مربوط به معاملات تجاری. بدین معنی که در این سیستم اولاً معاملات تجاری توسط قانون معین و مشخص می شود و بعداً تاجر. بناءً هر فردی که این اعمال را انجام دهد، عمل تجاری محسوب شده و چون شخص تابع عمل می باشد، تاجر پنداشته می شود.

**2 - تعریف حقوق تجارت بر اساس سیستم انفسی یا شخصی:** در این سیستم برعکس سیستم قبلی، قانون اولاً تاجر را تعریف کرده شخصیت های تجاری را معین می کند، بعداً کلیه معاملاتی که برای پیش برد امور تجاری او صورت می گیرد، تجاری محسوب می گردد. در این سیستم معیار، شخص تاجر می باشد. در حقیقت معاملات تجاری تابع اشخاص می باشد. از نگاه این سیستم که اساس سیستم آلمان را تشکیل می دهد، حقوق تجارت عبارت است از حقوق تاجر. اساس حقوق تجارت افغانستان را - با وجودی که از هر دو سیستم متأثر است - بیش تر سیستم آفاقی تشکیل می دهد. در فرجام می توان گفت، حقوق تجارت بنابر خصوصیت های خاص شغلی که دارد، هم مربوط به اعمال مخصوص، یعنی معاملات تجاری و هم مربوط به اشخاص معین، یعنی تاجر و شرکت های تجاری است؛ ولی چون در دنیای کنونی کلیه دولت ها در روابط بین افراد، تولید و توزیع ثروت کم و بیش نظارت می نمایند، اشخاص تجاری مؤظف اند از مقررات حقوق عمومی نیز متابعت نمایند. حقوق تجارت که از آغاز بخشی از حقوق خصوصی شمرده می شد، امروز روابط مداوم با حقوق عمومی حاصل کرده است.

قابل تذکر است که حقوق مدنی شامل روابط حقوقی تمام افراد می باشد. در حالی که حقوق تجارت عبارت از قواعد خاصی است، که برای تاجر و عملیات تجاری در نظر گرفته شده است. در مواردی که حقوق تجارت در باره موضوعی، قواعد صریح پیش بینی نکرده باشد، به قواعد حقوق مدنی مراجعه می شود. به طور کلی بین اصول حقوق تجارت و حقوق مدنی تفاوت کلی موجود است و این خود نمایانگر استقلال حقوق تجارت می باشد.

### واژگان کلیدی

- اسناد تجاری
- ابرات
- انحلال شرکت
- تصفیة شرکت
- اهلیت تجاری
- توزیع دارایی شرکت

<sup>11</sup> نصرالله ستانکزی و ولی محمد ناصح، حقوق تجارت (کتاب درسی)، کابل، انتشارات سعید، 1389، ص 4 - 5.



- چک
- دفتر داری
- دلالی
- شرکت تعاونی
- شرکت های سرمایه
- عرف و عادات عمومی
- فروش سی. ای. اف C.E.F
- نماینده تاجر
- حکمیت
- دفتر کل
- شرکت محدود المسئولیت
- شرکت سهامی
- ظهر نویسی
- فروش سی. اند. اف C&F
- معاملات تجارتي
- تونتین (Tontine)
- حواله
- دفتر یومیه
- شرکت تضامنی
- شرکت های اشخاص
- عرف و عادات خصوصی
- فروش اف. او. بی (FOB)
- مقاله
- بارنام نقلیه بحری (کنسانمیت)

### تمرین

أ. حالا معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

#### منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- اصولنامه تجارت افغانستان، سال 1336 هـ.ش.
- قانون شرکت های سهامی و محدود المسئولیت، جریده رسمی شماره 913 سال 1385 هـ.ش.
- قانون شرکت های تضامنی تضامنی، جریده رسمی شماره 913 سال 1385 هـ.ش.
- قانون قانون حکمیت تجارتي، جریده رسمی شماره 913 سال 1385 هـ.ش.
- قانون میانجیگری (مصالحه) تجارتي، جریده رسمی شماره 913 سال 1385 هـ.ش.
- ستانکزی، نصرالله، ناصح، ولی محمد، حقوق تجارت، کابل: انتشارات سعید، 1389 هـ.ش.
- ستانکزی، نصرالله [و دیگران]، قاموس اصطلاحات حقوقی، کابل: پوهنتون کابل، پوهنخی حقوق و علوم سیاسی، 1387 هـ.ش.

## 8. اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق جزا

در متن زیر بیشتر در مورد حقوق جزا بخوانید.

### تعریف حقوق جزا<sup>12</sup>

حقوق جزا مانند سایر موضوعات و مسایل تعاریف متعددی دارد و هر کدام از اهل نظر از آن به گونه های مختلفی تعریف نموده اند. بعضی ازین تعاریف بسیار عام و کلی اند ولی بعضی دیگر مشرح و توضیحی میباشند.

بصورت عام حقوق جزا چنین تعریف گردیده هست:

حقوق جزا به دسته ای از قواعد و مقرراتی اطلاق میگردد که موضوعات مربوط به جرایم و مجرمین را مورد مطالعه قرار میدهد.

و یا به عباره دیگر:

حقوق جزا عبارت از مطالعه جرایمیست که علیه اجتماع و یا اشخاص حقیقی و یا حکمی آن ارتکاب یافته هست.

این تعاریف جنبه کاملاً عام و کلی دارند زیرا صرف کلی ترین موضوعات حقوق جزا را که همانا جرم و مجرم اند برشمرده اند بدون اینکه چگونگی این مطالعه را واضح و روشن ساخته باشند. در ذیل یک تعریف عام و جامعی از حقوق جزا را ارائه مینمائیم:

حقوق جزا به مجموعه قواعد و مقرراتی اطلاق میگردد که اعمال و حرکات جرمی را تعریف، مسئولین و مرتکبین آنرا تشخیص و در برابر آنها عکس العمل های اجتماعی معین و مشخص را پیشبینی مینماید.

این تعریف نسبت به تعاریف اول الذکر عامتر بوده زیرا واضحاً بیان نموده هست که حقوق جزا چگونه به جرایم و مجرمین رسیدگی مینماید.

درینجا لازم هست بحث خود را پیرامون اصول کلی و عمومی حقوق جزا آغاز نمائیم.

ولی قبل از پرداختن به این موضوعات لازم هست یک تعریفی از جرم ارائه نمائیم:

جرم از دیدگاه های مختلف بگونه های متفاوت تعریف گردیده هست:

جامعه شناسان، روان شناسان و جرم شناسان هر یک تعاریف مختلفی را برای این پدیده ذکر نموده اند که بحث روی آن از محدوده برنامه درسی ما بیرون هست. درینجا ما صرف به تعریف قانونی و حقوقی جرم که از طرف حقوقدانان ارائه گردیده هست بسنده مینمائیم:

جرم عبارت از اجرای یک عملی که قانون آنرا منع نموده هست و یا امتناع از یک عملی که قانون به اجرای آن حکم نموده هست و در صورت تخلف از آن، برای متخلف مویده ای جزائی پیشبینی نموده هست.

### واژگان کلیدی:

- |                    |                     |                    |
|--------------------|---------------------|--------------------|
| • حقوق جزای عمومی  | • حقوق جزای اختصاصی | • جرایم علیه اشخاص |
| • جرایم علیه اشخاص | • جرم رشوت          | • عنصر معنوی جرم   |
| • عنصر معنوی جرم   | • عنصر قانونی جرم   | • جزا های تکمیلی   |
| • جزا های تکمیلی   | • اختلاس            | • جنایت            |
| • جنایت            | • جنحه              | • قتل              |
| • قتل              | • سرقت              | • اختطاف           |
| • اختطاف           | • راهزنی            | • برائت الذمه      |
| • برائت الذمه      | • موظف خدمات عامه   | • حبس دوام         |
| • حبس دوام         | • حبس طویل          | • حبس قصیر         |
| • حبس قصیر         | • حالت مخففه        |                    |
|                    |                     | • جرایم علیه اموال |
|                    |                     | • عنصر مادی جرم    |
|                    |                     | • جزا های اصلی     |
|                    |                     | • تزویر            |
|                    |                     | • قیاحت            |
|                    |                     | • ضرب و جرح        |
|                    |                     | • شروع به جرم      |
|                    |                     | • دفاع مشروع       |
|                    |                     | • حبس متوسط        |
|                    |                     | • حالت مشدده       |

<sup>12</sup> اصول عمومی حقوق جزا، کتاب درسی کورس آموزش قضایی، تهیه و منتشر شده توسط پروژه امور عدلی و قضایی افغانستان، کابل، افغانستان، سال 2008.

## تمرین

ا. حالا معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

ب. شما در بخش های قبل مباحثی مرتبط به حقوق وجایب را مطالعه کردید که مبحث در حقوق مدنی است. با مقایسه آن مباحث با حقوق جزا، و هم با در نظر داشت بحث قبلی در مورد تقسیم بندی حقوق شما باید به سادگی تفاوت میان قضایای مدنی و جزایی را تشخیص بدهید. تمرین زیر به این تفاوت اختصاص داده شده است. اصطلاحات زیر را خوانده و مشخص سازید که اصطلاح مرتبط حقوق مدنی، جزایی، یا هر دو میگردد.

هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>اختطاف</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>اقامة دعوی</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>حبس</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>رشوت</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>خارنوال</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>ضرب و جرح</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>طلاق</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>قرارداد</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>محکمة استیناف</b>
هر دو <input type="checkbox"/>	جزایی <input type="checkbox"/>	مدنی <input type="checkbox"/>	<b>وصیت</b>

### منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- *قانون مدنی افغانستان*، جریده رسمی شماره 353 سال 1355 هـ.ش.
- *قانون جزای افغانستان*، جریده رسمی شماره 347 سال 1355 هـ.ش.
- *قانون جزا بخش خاص (کتاب درسی کورس آموزش قضایی)*، تهیه و منتشر شده توسط بخش آموزش قضائی پروژه عدلی و قضایی افغانستان، کابل، سال 2008 م.
- *اصول عمومی حقوق جزا (کتاب درسی کورس آموزش قضایی)*، تهیه و منتشر شده توسط بخش آموزش قضائی پروژه عدلی و قضایی افغانستان، کابل، سال 2008 م.
- *پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان، مبادی حقوق جزای افغانستان (کتاب درسی)*، دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد، ویرایش دوم، مترجم شرکت خدمات حقوقی ایلیت، کالیفرنیا، ایالات متحده امریکا، 2009 م.

تعریف حقوق فامیل<sup>13</sup>

مقررات و قواعدی که بر نهاد فامیل حاکم و امور آن را تنظیم و ترتیب می‌کند، به نام حقوق فامیل یا حقوق خانواده یاد می‌شود. مطابق نظر بعضی از دانشمندان حقوق، حقوق فامیل عبارت از: مجموعه قواعد و مقرراتی است که، بر روابط فامیل و افراد تشکیل دهنده آن مانند: شوهر، زن، فرزند، پدر و مادر و همچنین امور مالی مربوط به آن، مانند: مهر زوجه، نفقه همسر و اقارب می‌باشد، حکومت می‌کند.

یا به عبارت دیگر، حقوق فامیل به مفهوم خاص آن عبارت از مجموعه مقررات و قواعد حقوقی است که، بر اساس آن، روابط و مناسبات اشخاصی که، در یک خانواده زندگی می‌نمایند و معمولاً شامل، پدر، مادر و فرزندان می‌شود، تنظیم می‌گردد.

حقوق فامیل به مفهوم عام آن عبارت از مجموع مقررات و قواعد حقوقی است که روابط و مناسبات افرادی را که در بین ایشان قرابت و خویشاوندی وجود داشته باشد، تنظیم می‌کند.

این گونه مقررات که در تعریف حقوق فامیل از آن تذکر به عمل آمد، یکی از مهم ترین بخش‌های حقوق مدنی به شمار می‌رود. حقوق مدنی نیز یکی از بخش‌های اساسی حقوق خصوصی محسوب می‌گردد. حقوق خصوصی در کشورهای اسلامی، از جمله افغانستان، بر اساس قواعد و اصول دین مقدس اسلام استوار است. حتا در مورد حقوق فامیل و حقوق میراث که دو شعبه عمده حقوق مدنی می‌باشد، می‌توان گفت: تمام مقررات آن بر طبق احکام و دستاویز دین اسلام اساس گذاری شده است. چنانچه قوانین مدنی اکثریت از کشورهای اسلامی مطالعه گردد، به صراحت دیده می‌شود که تمام اصول حقوق فامیل و حقوق میراث کشورهای اسلامی بر اساس اصول و قواعد فقهی، عرف و عادات که آن هم از مذهب متأثر می‌باشد، بنا یافته است، منتها با این تفاوت که در ترتیب، تدوین و تنظیم شکلیات قوانین مدنی اکثر کشورهای اسلامی از قوانین دولت‌های اجنبی پیروی به عمل آمده است؛ ولی محتوا و مضمون خود را کاملاً با اساسات دین مبین اسلام مطابقت داده است. اهمیت حقوق فامیل در این است که نتنها جنبه حقوقی دارد؛ بلکه همچنان با مسایل اجتماعی، اخلاقی و مذهبی نیز آمیخته است. قواعد بیشتر آن نتنها زندگی خصوصی هر انسان را تنظیم می‌نماید؛ بلکه به نظم عمومی و اخلاق جامعه نیز ارتباط مستقیم دارد.

باید خاطر نشان ساخت، که روابط و مناسباتی که توسط حقوق فامیل تنظیم می‌گردد، نهایت وسیع و متعدد می‌باشد. می‌توانیم موضوعاتی مانند، خواستگاری و نامزدی، ازدواج، ارکان و شرایط ازدواج، آثار و نتایج حقوقی عقد ازدواج، انحلال عقد ازدواج، آثار و نتایج حقوقی آن و یک سلسله موضوعات مهم دیگری را در آن یاد آور شویم که در خلال محتویات مضمون حقوق فامیل یکی پی دیگر مطالعه خواهد شد.

واژگان کلیدی:

- |                        |                         |                         |
|------------------------|-------------------------|-------------------------|
| • ازدواج               | • اقارب                 | • انحلال ازدواج         |
| • انفاق                | • اهلیت ازدواج          | • اهلیت ازدواج          |
| • ایجاب                | • تفریق به سبب ضرر      | • تفریق به سبب عدم      |
| • تفریق به سبب عیب     | • تفریق به سبب غیابت    | • حرمت دایمی            |
| • حرمت رضاعی           | • حرمت سببی             | • حرمت مصاهره           |
| • حرمت موقت            | • حرمت نسبی             | • حضانت                 |
| • خلع                  | • برادر یا خواهر اخیافی | • برادر یا خواهر اعیانی |
| • برادر یا خواهر علانی | • زوج                   | • زوجه                  |
| • صل                   | • طلاق                  | • طلاق بائن             |
| • عدت                  | • فامیل                 | • فرع                   |
| • فسخ                  | • قبول                  | • قرابت نسبی            |
| • قرابت سببی           | • قرابت رضاعی           | • مسکن                  |

<sup>13</sup> عبدالقادر عدالتخواه، حقوق فامیل (کتاب درسی)، چاپ اول، کابل: مطبعه میوند، 1387.

- منکوحه
- مهر
- ناشزه
- نفقه
- موکل
- مهر معجل
- ناکح
- وکیل
- موکله
- مهر مؤجل
- نامزدی

### تمرین

أ. حالا معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

#### منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- قانون مدنی افغانستان، جریده رسمی شماره 353 سال 1355 هـ ش
- تهرانی، کعبه راستین، یساری، نجما، انسنتیوت حقوق مقایسوی عامه و حقوق بین الدول ماکس پلانک، کتاب درسی انسنتیوت ماکس پلانک برای حقوق فامیل افغانستان، چاپ دوم، زمستان 1388.
- عدالتخواه، عبدالقادر، حقوق فامیل (کتاب درسی)، چاپ اول، کابل: مطبعه میوند، 1387.
- عبدالله، نظام الدین، شرح قانون مدنی افغانستان: حقوق فامیل، چاپ دوم، کابل: انتشارات سعید، 1389.

## 10. اصطلاحات حقوقی مربوط به حقوق میراث

در زیر بحثی از کتاب حقوق میراث برای شما در مورد اسباب میراث در نظر گرفته شده است. این مطلب را به دقت مطالعه کرده و به سوالات زیر پاسخ دهید.

### اسباب میراث

اسباب جمع سبب بوده و سبب آن است که خارج از حقیقت یک شیء بوده اما وجود و یا عدم آن شیء به وجود و یا عدم آن متوقف باشد، مثل وقت که سبب است برای فرضیت نماز که به موجودیت آن نماز همان وقت فرض و در صورت عدم آن فرض نمی‌گردد؛ در حالی که نماز عبارت از قراءت قیام و رکوع و سجده بوده و وقت جزء داخلی آن نیست. اسباب میراث عبارت است از:

1. زوجیت (نکاح): منظور از نکاح در اینجا (میراث) انجام عقد صحیح بین زوجین بوده، معاشرت زوجی و یا خلوت صحیحه شرط استحقاق میراث دانسته نمی‌شود؛ بنابراین اگر یکی از زوجین قبل از معاشرت زوجی و یا خلوت صحیحه وفات نماید جانبی که زنده است مستحق میراث از مال میت می‌گردد.

2. قرابت: مراد از قرابت در اینجا (میراث) قرابت حقیقی و یا ارتباطی است که زاده و ثمره ولادت باشد و آنرا رابطه نسب نیز گویند.

قرابت حقیقی از قویترین اسباب میراث بوده و اشخاصی که به واسطه آن مستحق میراث می‌گردند عبارتند از: ذوی الفروض، عصبان نسبی و ذوی الارحام که کیفیت توریث هر کدام در محل آن مفصلاً بیان می‌گردد.

3. ولاء: ولاء دو نوع است: ولاء عتاق و ولاء موالات. ولاء عتاق: عبارت از علاقه حکمی یا سببی است بین معتق (آزاد کننده) و مُعتق (آزاد شده). فقهای اسلامی را عقیده بر آن است که ولاء عتاق یکی از اسباب میراث بوده و مولی عتاق به اساس آن از غلام که او را آزاد ساخته در صورتی که از خود اقارب نسبی نداشته باشد میراث می‌گیرد.

شریعت اسلامی که آرزو و هدف آن از بین رفتن غلامی و برده گی بوده استحقاق ارث به واسطه عتاق را یکی از طرق تشویق آزادی غلامان دانسته و در جمله اسباب میراث قرار داد.

ولاء موالات: عبارت از علاقه و ارتباط حکمی و یا سببی است که از پیمان دوستی بین دو نفر نشأت می‌کند.

...

### واژگان کلیدی:

- |                 |                   |                 |
|-----------------|-------------------|-----------------|
| ● نخارج         | ● عصبه            | ● محجوب         |
| ● تکفین و تجهیز | ● عصبه بنفسه      | ● مقر له به نسب |
| ● حجب           | ● عصبه به سبب غیر | ● مورث          |
| ● حجب حرمان     | ● عصبه مع غیر     | ● موروث         |
| ● حجب نقصان     | ● علم میراث       | ● میراث         |
| ● ذوی الارحام   | ● فوت تقدیری      | ● نسبی          |
| ● ذوی الفروض    | ● فوت حقیقی       | ● وارث          |
| ● سببی          | ● فوت حکمی        | ● وصیت          |
| ● سبب میراث     | ● متروکه یا ترکه  |                 |

### تمرین

أ. حالا معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

ب. به سوالات زیر پاسخ مختصر ارائه کنید:

1. چرا فکر میکنید بعضی رشته های حقوقی در کشور ما بیشتر اصطلاحات خارجی دارد و بعضی کمتر؟
2. آیا هنگام دریافت معنی بعضی واژگان مربوط به حقوق میراث متوجه شدید که دریافت معنی و حتی تعریف یک واژه گاهی کافی نبوده و برای درک بهتر مفهوم حقوقی شما نیاز به مطالعه بیشتر در زمینه احکام مربوط و مثال های در زمینه دارید؟

### منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- قانون مدنی افغانستان، جریده رسمی شماره 353 سال 1355 هـ ش
- عزیز، عبدالعزیز، احکام میراث از نگاه فقه و قانون، کابل: اداره علمی نشراتی التقوی، 1421 هـ ق.

## 11. اصطلاحات حقوقی مربوط به مسئولیت مدنی

### مسئولیت مدنی<sup>14</sup>

”حقوق وجایب در نظام حقوقی ما یک بخشی از حقوق خصوصی است.<sup>15</sup> این رشته حقوقی معمولاً روابط میان اشخاص را تنظیم میکند.<sup>16</sup> یک شخص میتواند به ارتباط ایجاد ضرر (مثل ضرر مالی یا جسمی) که بر وی وارد شده، بالای شخص دیگری در محکمه اقامه دعوی کرده و جانب مقابل نیز میتواند علیه همچو ادعا در قسمت جزئیات واقعه یا تقصیر نسبت داده شده مخالفت کند. هر چند معنی دقیق وجبیه به مرور زمان تکامل یافته، ولی معنی حقوقی وجبیه امروز به رابطه دوجانبه اطلاق میگردد که در آن یکطرف، حق درخواست شی را و جانب دیگر مکلفیت پرداخت شی مذکور را دارد.<sup>17</sup> این درخواست میتواند در ارتباط به مبلغ مشخص پول، یا شی دیگری، خدمت و یا هم انجام عملی باشد. جانب که حق درخواست وجبیه را دارد بنام داین و جانب دیگری که مکلفیت انجام وجبیه را دارد بنام مدیون نامیده میشود.<sup>18</sup>

دو نوع عمده وجبیه وجود دارد که عبارت اند از وجبیه قراردادی (عقدی) و وجبیه که توسط ارتکاب اعمال (مسئولیت مدنی) ایجاد میگردد. از همینرو حقوق وجایب به چهار بخش فرعی تقسیم میگردد: حقوق قرارداد ها، ایقاعات یا اراده یکطرفه، ایفای ناروا، و مسئولیت مدنی.

...

مقررات مسئولیت مدنی وجایی را شناسایی میکند که از اعمال اشخاص منشا میگیرد. شما حالا با مفهوم وجایب قراردادی آشنا هستید و آن عبارت از وجایی است که اشخاص به رضایت خود به دوش میگیرند. مسئولیت مدنی مسئولیت های غیر قراردادی است و این مسئولیت ها بنا به حکم قانون بالای اشخاص راجع میگردد. این موضوع به اراده جمعی بر میگردد که مطابق آن بعضی اعمال نتایج نا مطلوب و غیر منصفانه را ایجاد میکند و لذا اشخاص متضرر از همچو اعمال باید مجازات گردند. اشخاصیکه اعمال آنها موجب ایجاد ضرر به شخص یا اشخاص دیگر گردد وظیفه دارند تا عمل خود را مرتفع و ضرر را جبران کنند. اعمالیکه موجب مسئولیت مدنی میشود ممکن که عمدی یا غیر عمدی باشد. در هر دو صورت ما عامل عمل را مسبب عمل دانسته و از همینرو مسئول بخاطر جبران نتایج نا مطلوب اعمال خودشان میدانیم.

مسئولیت مدنی یک بخش قدیمی مقررات حقوقی است. امپراطوری روم سیستم منظم از نظام مسئولیت مدنی داشته که مسئولیت ها را به گروه های مشخص اعمال بشمول سرقت، راهزنی یا خشونت و جبر، ضرب و جرح و حمله اشخاص بر اموال تقسیم و ارتباط میدادند.<sup>19</sup> در ابتدا مقررات مسئولیت مدنی اعمال عمدی را شامل میشد. بخشی به عنوان شبه جرم بعداً انکشاف یافت که اعمال غیر عمدی مثل مسئولیت اشخاص در قبال اضرائیکه بصورت غیر مستقیم وارد شده را نیز شامل میشد. بطور مثال اعمال غیر ارادی ممکن توسط اطفال خوردن یک شخص و یا هم اشپای یک شخص وارد گردد. امروز بخش مسئولیت مدنی و بخش شبه جرم دیگر این دو بخش مجزا را به آن شکل تحت پوشش قرار نمیدهد بلکه ساحه هر یک از یک کشور به کشور دیگری فرق میکند. آنچه که برای فعلاً مهم است اینست که بدانید امروز مقررات مسئولیت مدنی شامل اشکال وسیع از ضرر میشود که خواه بصورت مستقیم یا غیر مستقیم به انتخاب شخص وارد گردد.<sup>20</sup>

<sup>14</sup> پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان (ALEP)، دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد، حقوق وجایب، ویرایش اول، سال 2015 م، ص. 137.  
<sup>15</sup> حقوق خصوصی بخشی از حقوق در نظام حقوقی ما است که روابط میان اشخاص و گروه ها را تنظیم میکند. در حقوق خصوصی دولت در دعوی نقشی داشته یا حداقل نقش منحیت نقش قوه حاکم (یا نماینده مردم) نمی باشد.  
<sup>16</sup> حقوق خصوصی بخشی از حقوق در نظام حقوقی ما است که روابط میان اشخاص و گروه ها را تنظیم میکند. در حقوق خصوصی دولت در دعوی نقشی داشته یا حداقل نقش منحیت نقش قوه حاکم (یا نماینده مردم) نمی باشد.

<sup>17</sup> The Law of Obligations: Roman Foundations of the Civilian Tradition. Zimmermann, Reinhard, P.1

<sup>18</sup> The Law of Obligations: Roman Foundations of the Civilian Tradition. Zimmermann, Reinhard, P.1

<sup>19</sup> Ferrari, Franco. "Comparative Remarks on Liability for One's Own Acts." *Loy. L.A. Int'l & Comp. L.J.* 15 (1993): 813-46. Pages 813-14.

<sup>20</sup> در سیستم کامن لا مسئولیت مدنی بنام حقوق شبه جرم یا Tort Law یاد میکنند (که مسئولیت شبه جرمی از عمل مشخص یا فعالیت شبه جرم نشأت میکند).



## واژگان کلیدی:

- اتلاف
- اجتماع مباشر و متسبب
- اتلاف جزئی
- اسباب مجبره
- اعاده حالت اصلی
- اهمال در صیانت
- تسبیب
- تقصیر
- تقصیر مفروض
- حادثه غیر مترقبه
- حوادث قانونی
- داین
- دفاع مشروع
- ضرر
- ضرر معنوی
- ضمان
- ضرر عام
- غصب
- عمل مضر
- متسبب
- مباشر
- متعدی
- متضرر درجه دوم
- مسئول
- مدیون
- مسئولیت نیابتی
- مسئولیت مطلق
- اتلاف
- اجتمع مباشر و متسبب
- اکراه تام
- تعدی
- جبران خسارت
- خطا
- سببیت
- ضرر خاص
- عمد
- فعل مضر بر نفس
- متضرر
- متعمد
- مسئولیت غیر تعاقبی
- وجبیه

## تمرین

أ. حالا معنی اصطلاحات بخش واژگان کلیدی را با استفاده از منابع زیر و منابع عمومی که در بخش اول تشریح گردید در یابید.

ب. موادی از قانون مدنی در زیر نقل گردیده است. اصطلاحات مغلق این مواد را بیرون نویس کرده و معنی آنها را پیدا کنید.

### مواد منتخب از قانون مدنی افغانستان

مبحث دوم – استعمال حق

ماده 4 –

شخصیکه به اکتساب حق قبل از موعده مبادرت ورزد، بحرمان از آن محکوم می گردد.

ماده 5 –

حالت اضطرار، موجب ابطال حق غیر نمی گردد.

ماده 6 –

ضرر توسط عمل بالمثّل، از بین برده نمی شود.

ماده 7 –

دفع مفسد بر جلب منافع مقدم می باشد.

ماده 8 –

جواز قانونی ضمان را نفی می کند، شخصی که از حق خود در حدود قانون استفاده میکند، مسئول خسارات ناشی از آن نمی باشد.

تطبیق قانون از حیث زمان

ماده 10 –

(1) احکام قانون بعد از نشر قابل تطبیق می گردد.  
(2) احکام قانون بمقابل رجعت نمی کند، مگر در حالاتیکه در خود قانون تصریح شده و یا احکام آن متعلق به نظام عامه باشد.

قسمت سوم  
تطبیق قانون از حیث مکان

ماده 24 -

در مورد التزام به نفقه ، احکام قانون دولت متبوعه شخصی که مکلف به ادای نفقه می باشد ، تطبیق می گردد.

مبحث ششم - ازدواج

ماده 60 -

ازدواج عقدیست که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را بوجود می آورد.

ماده 769 -

1- هرگاه مال مغضوبه عقار باشد، غاصب برد آن به مالک یا اجرت مثل آن مکلف می باشد.  
در صورتیکه غاصب در عقار بنا آباد نموده باشد و یا اشجار غرس کرده باشد، مالک می تواند اشجار و بنا را قلع نماید، و یا قیمت آنها را در صورت موافقه غاصب مقلوعاً بپردازد.

2- در صورت تلف شدن عقار یا وارد شدن نقض بر قیمت آن، گرچه غاصب متعدی نباشد، بضمان مکلف می گردد.

### منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- قانون مدنی افغانستان، جریده رسمی شماره 353 سال 1355 هـ ش.
- پروژه تعلیمات حقوقی افغانستان، حقوق و جایب (کتاب درسی)، دانشکده حقوق دانشگاه استانفورد، مترجم شرکت خدمات حقوقی ایلین، سال 1393 هـ ش.
- عبدالله، نظام الدین، شرح قانون مدنی افغانستان: حقوق و جایب، چاپ دوم، کابل: انتشارات سعید، سال 1390 هـ ش.

## 12. اصطلاحات حقوقی مربوط به قانونگذاری

در ابتدا مواد چند از منابع قانونی را زیر مطالعه نمایید. این مواد ما در تعریف اصطلاحات مورد نظر کمک می کند. سپس به توضیح بیشتر در مورد شیوه های قانونگذاری در افغانستان مراجعه کنید. بعد از مطالعه هر دو بخش، تمرین های برای آموختن اصطلاحات حقوقی برایتان در نظر گرفته شده است.

### قانون اساسی افغانستان

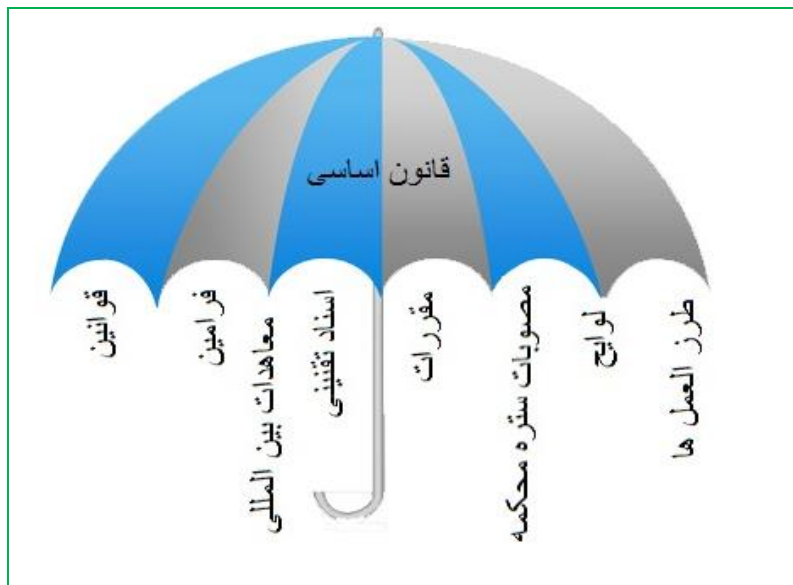
#### ماده نود و چهارم:

قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.

در صورتیکه رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد می تواند آنرا در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید.

با سپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ میگردد.

حالا ماده دوم مقرر طرز تهیه و طی مراحل اسناد تقنینی را مطالعه کنید. به تعاریف دقت کنید و سپس تمرین مربوط را تکمیل نمایید.



همانطوریکه از مطالعه این مواد قانونی مشاهده می کنید، قانون اساسی مانند یک چتر سایر قوانین و اسناد تقنینی را در بر گرفته و نظام حقوقی را تشکیل می دهد که در آن هر منبع قانونی زیر اثر منبع دیگری قرار دارد. این تسلسل هرم وار نظام حقوقی ما را تکمیل ساخته و امکان آنرا فراهم می سازد که اصول و مواد قانون اساسی در عمل پیاده گردد.

واژگان کلیدی:

• ایزاد	• اسناد تقنینی	• اساسنامه
• تصویب	• تسوید	• بودجه
• توشیح	• تعلیق	• تعدیل
• شورای ملی	• حذف	• جریده رسمی
• عدم رجعت قانون به ما قبل	• طرح قانون	• ضمیمه
• قانون	• فرمان رئیس جمهور	• فرمان تقنینی
• مسوده	• قانون لاحق	• قانون ساحق
• مصوبه شورای وزیران	• مصوبه	• مشرانو جرگه
• نشر	• نافذ	• مقررہ
		• ولسی جرگه

### تمرین

أ. با استفاده از اصطلاحاتی که آموختید، شیوه های مختلف قانونگزاری در افغانستان را شرح دهید. در توضیح خود اصطلاحات مثل تسوید، تصویب، تعدیل، توشیح، نشر، و انفاذ را در محل مناسب آن بکار ببرید.

ب. جملات زیر را به دقت مطالعه کنید. هر جمله حاوی یک مشکل در قسمت استعمال درست کلمات است. واژه نادرست را حلقه کنید.

مثال: در افغانستان تعدیل عبارت از فرمان تقنینی است که توسط ریاست جمهور وضع می گردد.

در جمله بالا اصطلاح فرمان تقنینی بصورت نادرست استعمال گردیده است. اصطلاح مناسب سند تقنینی است.

(أ) شورای ملی مرجع قانونگزاری در کشور است که تمام قوانین منجمله قانون اساسی را تعدیل کرده می تواند.

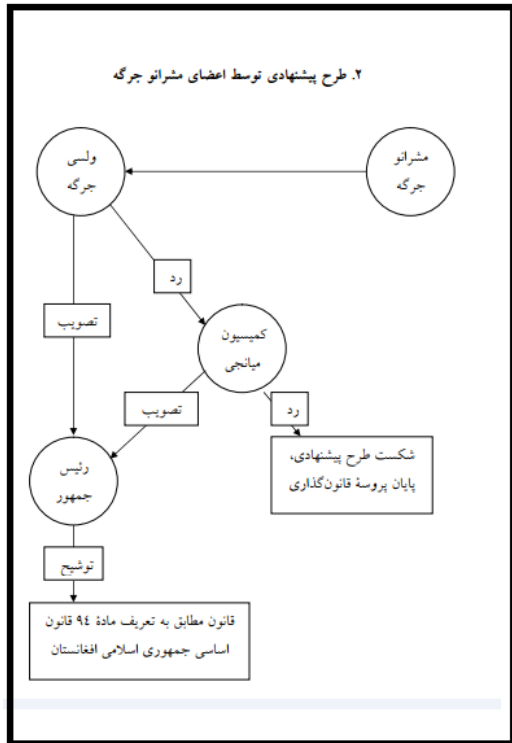
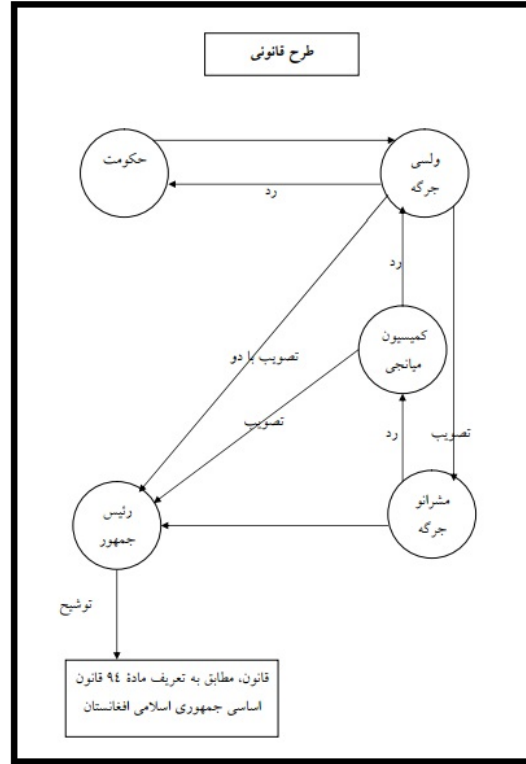
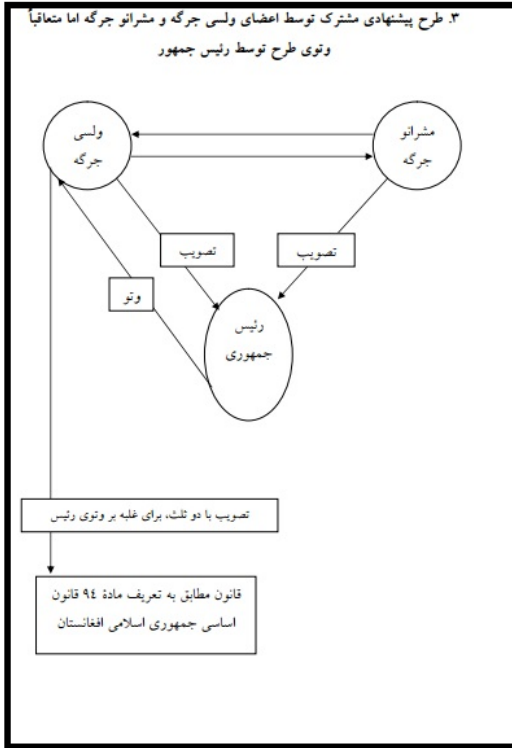
(ب) وزارت عدلیه طرح قانون را در جریده رسمی نشر می کند.

(ت) قانون عبارت است از مسوده هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد.

(ث) شورای ملی صلاحیت دارد تا فرامین تقنینی رئیس جمهور را تعدیل، لغو، یا توشیح کند.

(ج) حکومت می تواند در حالت تعطیل ولسی جرگه، بودجه را ترتیب و عملی کند.

ج. با استفاده از اصطلاحاتی که آموختید و با مراجعه به قانون اساسی افغانستان، روابط میان قوه مجریه و شورای ملی در مورد پروسه قانونگزاری در افغانستان را که در زیر به تصویر کشیده شده را تشریح کنید.



منبع: رامین مشتاقی، انسیتیوت حقوق مقایسوی عام و حقوق بین الدول ماکس پلانک، رهنمود انسیتیوت ماکس پلانک برای حقوق اساسی افغانستان، چاپ سوم، حمل 1388 ه ش.

منابع برای مطالعه بیشتر و پاسخ به تمرینات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، سال 1382.
- مقررۀ طرز تهیه و طی مراحل اسناد تقنینی، 20 سرطان 1391، شماره مسلسل 1081
- اساسنامه انستیتوت امور قانونگذاری و تحقیقات علمی- حقوقی، 20 سرطان 1386، شماره مسلسل 924

قرار قضائی (373) مورخ 1387/6/25 دیوان جزاء عمومی

ستره محکمه ج.ا.ا.

شهرت خانونال: - عبدالرقيب جيحون.

شهرت متهم: - عبدالمجيد ولد سلطان محمد مسكونه ولايت هرات.

نوع قضيه: - سرقت مسلحانه.

اوراق مذکور ذریعه مکتوب نمبر (1335) 1387/1/26 لوی خانونالی از اثر اعتراض خانونالی بغرض غور دیوان جزای عمومی ستره محکمه واصل و به وارده نمبر (402) 1387/1/31 این دیوان قید میباشد.

از ملاحظه اوراق مذکور و فیصله های محاکم تحتانی. برمی آید که متهم مذکور در برخورد مسلحانه با پولیس متهم و دستگیر گردیده است.

اوراق به مسئولیت اش تکمیل و به محکمه ابتدائیه مربوطه محول و قرار فیصله نمبر (534) 1385/10/8 طبق فقره (1-3 و 4 و 5) ماده (459) قانون جزاء به مدت سه سال حبس متهم مذکور حکم صادر نموده. دیوان جزای استیناف هرات قرار فیصله نمبر (1768) 1385/12/20 طبق ماده (459 و 144) به مدت دو سال حبس متهم حکم صادر نموده است.

اوراق بالاثر عدم قناعت به دیوان جزای عمومی ستره محکمه واصل و به قرار قضائی نمبر (871) 1387/7/29 نسبت تخطی قانونی فیصله استیناف موصوف نقض و دوسیه بغرض فیصله مجدد قانونی بمرجعش ارسال گردیده است محکمه استیناف ولایت هرات در فیصله مجدد نمبر (700) 1386/12/12 خویش طبق حکم ماده (459) ق-ج به مدت پنج سال حبس متهم مذکور اصدار حکم نموده است.

خانونال مؤلف: - متهم مذکور را طبق فقرات چهارگانه ماده (455) مستوجب مجازات دانسته نسبت خطاء در تطبیق و تاویل احکام قانون نقض فیصله استیناف را از این دیوان مطالبه نموده است.

تحلیل و ارزیابی: طوریکه فیصله مجدد نمبر (700) 1386/12/12 محکمه استیناف ولایت هرات تحت غور قرار گرفت چنین معلوم گردیده که محکمه استیناف مذکور در فیصله مجدد هدایت و رهنمود مقام ستره محکمه را در نظر گرفته و عدالت را تامین نموده است - فیصله را در حدود احکام قانون اصدار کرده که کدام خطاء در تطبیق قانون بملاحظه نرسیده مورد تأیید دانسته میشود از اینکه عدالت تامین گردید و هدف قانون برآورده شده مطالبه خانونال موجه دیده نمیشود.

نص حکم: - ماهیت قضائی دیوان جزای عمومی مقام ستره محکمه در جلسه قضائی منعقد تاریخی 1387/6/23 باتفاق آراء حسب هدایت ماده (26) قانون تشکیل و صلاحیت محاکم با تحلیل و ارزیابی مستشاران قضائی این دیوان فیصله مجدد نمبر (700) 1386/12/12 دیوان جزای محکمه استیناف ولایت هرات را از اینکه در حدود احکام قانون صورت گرفته تأیید نمودیم:

آمریت دفتر تحریرات دوسیه را از اندراج خارج و به مرجعش گسیل نمایند.

<sup>21</sup> ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان، احکام قضائی محاکم.

**استفاده**

**از اهل خیره در مورد قیمت و اوصاف**

**مدعی بها**

متحد المال شماره ۸۵۵ الی ۸۹۹ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۷

ریاست دارالانشاء شورای عالی ستره محکمه

بالاثر استهدائیه دیوان مدنی و حقوق عامه محکمه مرافعه ولایت بادغیس در مورد مشکل قیمت گذاری مدعا بها در قضایای مدنی، شورای عالی ستره محکمه به یادداشت شماره ۵۸۹ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۷ چنین تصویب نمود:

« قیمت مدعی بها آنچه قبل از اقامه دعوی مطابق ماده ۱۷۶ قانون اصول محاکمات مدنی از طرف اهل خیره ابراز گردیده معتبر بوده حایز اثر قانونی می باشد و معیار مرافعه طلبی یا قطعیت قرار میگیرد به بنا بر آن به منظور جلوگیری از بروز مشکلات بعدی علی الخصوص اشکال در تنفیذ و تشخیص دقیق مدعا بها به محاکمی که دعاوی عقار را تحت رسیدگی قرار میدهند اکیداً هدایت داده میشود تا قبل از اقامه دعوی و شروع محاکمه مطابق ماده ۲۷۶ قانون اصول محاکمات مدنی در حالیکه طرفین دعوی در جریان بوده و مستحضر باشند بارعایت ماده ۱۷۷ قانون مذکور راجع به قیمت، کروکی، تعیین حدود، مساحت و مسایل ساختمانی و سایر مشخصات مدعا بها از اهل خیره که در همچو موضوعات در شهرها از طرف شاروالیها و درو لیسوالیها و محلات از طرف آمر محل معین میگردند، استفاده بعمل آید چنانچه در مورد اجتناب اهل خیره از طرف اهل خیره ورد آن توسط طرفین دعوی ماده ۱۸۲ قانون اصول محاکمات مدنی صراحت دارد و هر طرف به آن متصل شده میتواند همچنان محاکمی که اسناد امیطل غیر منقول را اجراء مینمایند به ترتیب فوق در فورم مخصوص طی مراحل اسناد امیطل غیر منقول از اهل خیره استفاده نمایند و مسؤولیت تقویم عقار صرفاً بدوش اوشان بوده و بارعایت حفظ حیثیت و بی طرفی قضاء منسوبین محاکم از قبیل قضات و محررین صلاحیت اشتراک را در زمره اهل خیره ندارند بالاثر اشتراک شان ممنوع بوده و باید از آن احتراز و خود داری جدی نمایند

مراتب مصوبه شورای عالی ستره محکمه بدینوسیله ابلاغ گردید تا مطابق

آن اجراءات مقتضی قانونی بعمل آید.

<sup>22</sup> محمد عثمان ژوبل، مجموعه متحد المال ها، مصوبات و رهنمودهای ستره محکمه ج. ا. ا. طی سال های 1385 - 1389، چاپ مطبوعه تعلیمی پوهنتون نبراسکا، کابل، سال 1389 ه. ش.



### نظریه تفسیری کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی در مورد تفسیر ماده (۷) قانون اساسی در خصوص معاهدات بین الدول

وزارت محترم مالیه طی مکتوب شماره ۶۵۴۷۲۱ - ۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۸ نگاشته است که "برخی احکام مندرج قانون گمرکات منتشره جریده رسمی شماره (۸۴۷) سال ۱۳۸۴ با احکام مندرج موافقتنامه‌های تخنیک نظامی (MTA) و موافقتنامه (SOFA) در مغایرت قرار داشته ... اما فعلاً نمایندگان قوت‌های نظامی مستقر در افغانستان به استناد ماده (۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان اصرار می‌ورزند که احکام مندرج موافقتنامه‌های تخنیک نظامی [فوق الذکر] بالاتر از احکام قانون گمرکات ج. ا. ا. بوده و در صورت مغایرت، احکام مندرج موافقتنامه‌های فوق ترجیح داده شود.

بناءً موضوع به آن اداره محترم ارقام شد، تا ... در مورد تفسیر ماده (۷) قانون اساسی کشور این اداره را رهنمایی فرموده تا در روشنی آن اجراءات مقتضی صورت گیرد."

کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی این موضوع را به موجب حکم جزء دوم ماده (۸) قانون این کمیسیون در مجلس عادی مورخ ۱۳۹۱/۱/۱۰ خویش که تحت ریاست پوهاند گلرحمن قاضی تشکیل شده بود موضوع بحث قرارداد و مقرر شد در مورد موافقتنامه‌های متذکره معلومات لازم برای ابراز نظر از مراجع مسئول به دست آید. بعد از کسب معلومات لازم سرانجام در مجلس عادی مورخ ۱۳۹۱/۴/۴ کمیسیون، مجدداً مورد بحث قرار گرفت و بعد از بررسی همه جانبه نظریه تفسیری ذیل را به منظور صیانت از احکام قانون اساسی ابراز می‌نماید:

۱. معاهدات دو جانبه میان دولت افغانستان و سایر دولتها به موجب حکم جزء پنجم ماده (۹۰) قانون اساسی وقتی حکم قانون را پیدا می‌کند که شورای ملی آن را تصدیق نماید. تا آن موقع هرگونه موافقتنامه‌ای قابل رد از سوی شورای ملی بوده و تعهد دولت افغانستان به دولت دیگر کامل و نهایی به شمار نمی‌آید.
۲. موافقتنامه‌های تخنیک نظامی فوق الذکر توسط شورای ملی تصدیق نشده است، لذا به موجب حکم فوق‌الذکر قانون گمرکات ترجیح داده می‌شود. اما جانب حکومت افغانستان در حدود حقوق بین الدول و ترتیب مقرر در متن یک موافقتنامه موظف است که اجراءات لازم را در خصوص کسب تصدیق و یا رد شورای ملی در مورد آن، به عمل آورد.

این نظریه در (۲) ماده ترتیب و به وزارت محترم مالیه و مجلسین شورای ملی ارایه می‌گردد.

4. نمونه از فارم ها مربوط تعیین وکیل مدافع 24

**جمهوری اسلامی افغانستان**  
**فورم تعیین وکیل مدافع در قضایای جزائی**

شهرت موکل							
(مظنون و متهم یا ممثل قانونی طفل مظنون و متهم)							
اسم	ولد	ولدت	جنسیت	سکونت اصلی	سکونت فعلی	نمبر تذکره	نمبر تلفون

انجانب ( ) که شهرتم در فوق ذکر است ، در حالیکه دارای اهلیت شرعی قانونی خود بوده و میباشیم ، محترم / محترمه ( ) را در بدل مبلغ ( ) افغانی یا بدون عوض (طور رایگان) قبول نموده ، تعهد می نمایم که الی طی مراحل ( ) با کمال صداقت ، امانت داری و رعایت احکام قانون از حقوق موکل خود دفاع نمایم .

شخصت و امضاء موکل  
( )  
تاریخ / / ۱۳۸

شهرت وکیل							
اسم	ولد	ولدت	جنسیت	سکونت اصلی	سکونت فعلی	نمبر تذکره	نمبر جواز

انجانب ( ) که شهرتم در فوق ذکر است ، در حالیکه دارای اهلیت شرعی قانونی خود بوده و میباشیم ، محترم / محترمه ( ) را بحیث وکیل خود در مورد دفع اتهام وارده مبنی بر ( ) الی ( ) در ( ) تعیین نمودم ، تا مطابق احکام قانون از حقوق من ( ) در بدل مبلغ ( ) افغانی یا بدون عوض دفاع نماید .

شخصت و امضاء موکل  
( )  
تاریخ / / ۱۳۸

تائید و تصدیق مراجع مربوط:  
پولیس ( ) خازنوالی ( )  
محکمه ( )

24 اسناد و مصوبات سنتره محکمه، کنفرانس ملی قضائی سال 1390، توضیح قانونی به استهدآت، ساده سازی اجراءات قضائی، سال 1390 ه ش.

فورم دعوي ( )

شهرت متداعيان													
مدعي عليه							مدعي						
٦	٥	٤	٣	٢	١	شماره پرونده	٦	٥	٤	٣	٢	١	شماره پرونده
<p>تعريف مدعي به و قيمت آن: ( )</p> <p>برياست محترم ديوان ..... محكمه ابتدائيه ولايت .....!</p> <p>من ..... مدعي بر مدعي عليه ..... حاضر كه داراي اهليت كامل حقوقي مياشيم ذيلآقامه دعوي مینمایم:</p> <p>بااحترام</p> <p>.....</p> <p>مدعي</p>													

منابع برای مطالعه:

- ستره محكمه جمهوری اسلامی افغانستان، اسناد و مصوبات ستره محكمه، کنفرانس ملی قضائی سال 1390، توضیح قانونی به استهدالات، ساده سازی اجراءات قضائی، سال 1390 ه ش.
- ژویل، محمد عثمان، مجموعه متحد المال ها، مصوبات و رهنمودهای ستره محكمه ج. ا. ا. طی سال های 1385 - 1389، کابل: مطبعه تعلیمی پوهنتون نبراسکا، سال 1389 ه ش.
- ستره محكمه جمهوری اسلامی افغانستان، احکام قضائی محاکم.